

نامزدهای حزب توده ایران

در مجلس خبرگان چه کسانی هستند و از چه بر نامه‌ای دفاع میکنند

در صفحات بعد:

قرارداد ۲ جانبه نظامی با امریکا، نقض خشن استقلال ایران است

صفحه ۳ - ستون پنجم

نقش عامل جغرافیائی در تکامل جامعه ایران

از احسان طبری

صفحه ۳ - ستون اول

ایالات متحده امریکا راهزن بین‌المللی

صفحه ۴ - ستون سوم

مردم

MARDOM

ازگان مرکزی حزب توده ایران

این شماره: ۸ صفحه

دوره هفتم، سال اول، شماره ۴۶
دوشنبه ۸ مرداد ماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

**هموطنان!
از نامزدهای
حزب توده ایران
برای
مجلس خبرگان
پشتیبانی کنید**

نامزدهای حزب
توده ایران برای
مجلس خبرگان

رفقا: احسان طبری، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی و آصف رزم‌دیده عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران از صدای جمهوری اسلامی ایران، از جانب حزب توده ایران بامردم ایران سخن گفتند

بقیه در صفحه ۴

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

همانطور که کمیته مرکزی حزب توده ایران در اعلامیه مورخ اول مرداد ماه ۱۳۵۸ خود درباره کارزار انتخاباتی برای تشکیل مجلس بررسی‌نهایی پیش‌نویس قانون اساسی (مجلس خبرگان) متذکر شده است، حزب توده ایران علاوه بر فعالیت برای انتخاب نامزدهای معرفی شده از جانب حزب، به نامزدهای دیگری هم که بر اساس سوابق مبارزاتشان، میتوان به این نتیجه رسید که به پیش‌نویس قانون اساسی از دیدگاه ارتجاعی برخورد نخواهند کرد، رأی خواهد داد. پشتیبانی حزب ما از نامزدهای سازمانها و گروههای سیاسی و همچنین شخصیت‌های جداگانه سیاسی، بار دیگر مظهر تلاش مشخص ما برای وحدت عمل نیروهای مترقی و انقلابی، در راه ایجاد یک نظام خلقی و آزاد در کشور ما و تبدیل دوران گذار و لاجرم آشفته کنونی، به یک نظام مترقی تثبیت شده، بسود اکثریت قریب به تمام مردم ایران است.

اینک اسامی نامزدهای سازمانها و گروههای سیاسی و همچنین شخصیت‌های جداگانه سیاسی، که حزب توده ایران به آنها رأی خواهد داد، به اطلاع هموطنان و همه اعضا، هواداران و دوستان حزب میرسد. در صورت لزوم نامزدهای دیگری نیز بر همین اساس معرفی خواهند شد.

تهران

آیت‌الله العظمی طالقانی
ابوالحسن بنی‌صدر
مسعود رجوی

کرمان

دکتر جواد باهنر
حجت‌الاسلام محمد جواد حجتی

فارس

دکتر حبیب‌الله بیمان
آذربایجان
حاج سید محمد علی انکچی
احمد حنیف نژاد

خراسان

منصور بازرگان
گیلان

محمود اعتمادزاده (به آذین)

سمنان

دکتر احمد دانش

اصفهان

آیت‌الله سید جلال‌الدین طاهری
دکتر حسین آیت
کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۵۸/۵/۷

رفیق احسان طبری



نامزد نمایندگی حزب توده ایران برای مجلس خبرگان از تهران، روز چهارشنبه ۵ مرداد ماه ۱۳۵۸، ساعت ۶/۵ بعد از ظهر، در زمین چمن دانشگاه تهران درباره سیاست حزب توده ایران سخن میگوید.

هموطنان، رفقای حزبی، دوستان، میهن پرستان، آزادیخواهان!

● به پیشبرد امر انتخاب نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان کمک کنید!
● کمک شما نه فقط در زمینه شناساندن سیاست حزب توده ایران و نامزدهای آن برای مجلس خبرگان لازم و مؤثر است، بلکه کمک مالی شما نیز میتواند کارزار انتخاباتی ما را تسهیل کند.
● کمک معنوی و مادی به حزب توده ایران در کارزار انتخاباتی برای مجلس خبرگان یک وظیفه انقلابی است

کمیته مرکزی حزب توده ایران

- رفیق نورالدین کیانوری - دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران
- رفیق احسان طبری - عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران
- رفیق انوشیروان ابراهیمی - عضو هیات سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران - از آذربایجان
- رفیق حسین جودت - عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - از آذربایجان
- رفیق علی خاوری خراسانی - عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - از خراسان
- رفیق محمد علی عمولی - عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران
- رفیق عباس حجری بجنانی - عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران
- رفیق رضا شلتوکی - عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - از کرمانشاه
- رفیق ابوتراب باقرزاده - عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - از مازندران
- رفیق آصف رزم‌دیده - عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران
- رفیق صابر محمدزاده - عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران
- رفیق مریم فرمانفرمانیان (فیروز) - عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران
- رفیق علی لامعی - مسئول سازمان حزب توده ایران در شهرستان بهشهر - از مازندران
- رفیق غلامرضا روحانی شهرکی - از مسئولین سازمان ایالتی حزب توده ایران در اصفهان - از اصفهان
- رفیق حسین آذر - از مسئولین سازمان ایالتی حزب توده ایران در اصفهان - از اصفهان
- رفیق علی اکبر مایلزاده - از مسئولین سازمان ایالتی حزب توده ایران در خوزستان - از خوزستان

قانون اساسی ایران باید بازتاب انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران باشد

مسلمانان در جامعه سوسیالیستی اتحاد شوروی

تاقیل از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، خلقهای ازبک، قزاق، قرقیز، تاجیک، ترکمن، آذربایجان، تاتار و باشکیر، که عموماً مسلمان و معتقد به مذهب اسلامند، علاوه بر اینکه مانند دیگر زحمتکشان سراسر کشور به ناور روسیه، در معرض ظلم و ستم اجتماعی و ملی بودند، در مورد آنان تبعیضهای مذهبی نیز اعمال میگردد. تا انقلاب سوسیالیستی اکتبر، کلیسای ارتدکس بخشی از دستگاه دولتی روسیه تزاری را تشکیل میداد. طبق قانون اساسی آن دوره، رهبری کلیساها در اختیار تزار بود و بدین ترتیب تنها کلیسای ارتدکس از آزادی برخوردار بود. در حالیکه بسیاری از خلقهای ساکن روسیه پیرو مذهب اسلام بودند، مسلمانان، مسجد و روحانیت اسلامی در معرض تبعیض و تحقیر قرار میگرفتند. دولت اعتبارات هنگفتی در اختیار کلیسای ارتدکس قرار میداد و تبلیغات مذهبی تنها در انحصار این کلیسا بود. راه رسیدن به مشاغل و پستهای مهم دولتی تنها برای پیروان کلیسای ارتدکس باز بود و نظام آموزشی کشور، که بر مبنای کلیسای ارتدکس پایه گذاری شده بود، اکثریت قریب به اتفاق فرزندان مسلمانان را از تحصیل محروم میکرد.

با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر همه اینها را برابریها و تبعیضها، در همان نخستین روزهای پس از انقلاب، از جانب دولت شوروی ملغی اعلام گردید. در بیستم ژانویه سال ۱۹۱۷، دولت شوروی، که لنین بزرگ آنرا رهبری میکرد، اعلامیه ای خطاب به تمام زحمتکشان مسلمان روسیه و شرق صادر نمود. در این اعلامیه تاکید شده بود که از این پس ادیان و آداب و رسوم مذهبی و ملی، معابد و تاسیسات مذهبی و ملی از برابری حقوق و آزادی کامل برخوردارند و معصوم از هر گونه تعرض و تجاوز اعلام میشوند.

فرمان تاریخی دیگر رهبر انقلاب، که در ۲۳ ژانویه سال ۱۹۱۸ انتشار یافت، جدائی کلیسا از دولت و مدرسه از کلیسا را اعلام داشت. بموجب این فرمان، تمام تبعیضها و برتریهای مذهبی لغو گردید، یعنی مذهب اسلام برابر با دیگر مذاهب برای شهروندان نواحی آسیائی و مسلمان نشین اتحاد شوروی برسمیت شناخته شد.

اعلام جدائی مدرسه از کلیسا، برابری کامل حقوق پیروان ادیان مختلف و از جمله پیروان مذهب اسلام را در زمینه آموزش تأمین نمود. بدین ترتیب پیروان انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در روسیه، ضمن برانداختن همه نهادهای اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر استثمار و استثمار و نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی و ملی، به تبعیضهای مذهبی پایان بخشید و حقوق برابر همه پیروان ادیان مختلف از جمله مسلمانان را در تمام شئون زندگی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و معتقدات مذهبی تأمین نمود. این برابری حقوق و آزادی معتقدات مذهبی در قانون اساسی اتحاد شوروی تضمین شده است.

ثمرات این برابری حقوق و آزادیها را در مورد مسلمانان شوروی آشکارا میتوان مشاهده نمود. بسیاری از رجال فرهنگی و علمی و کارشناسان برجسته جمهوریهای آسیائی اتحاد شوروی از مسلمانان معتقدی هستند که ضمن انجام وظایف اجتماعی و دولتی، در انجام فرایض دینی و فعالیتهای مذهبی خود، کوشا هستند. به عنوان نمونه الیاس فاضل اف، یکی از پژوهشگران سرشناس ازبکستان شوروی است، که مولف آثار علمی فراوانی در رشته بیماریهای کودکان است. نامبرده، که مسلمان مومن و معتقدی است، به مطالعه کتب مذهبی و تاریخ اسلام علاقه وافر دارد و علاوه بر حضور در مساجد و انجام فرایض دینی، در مجالس و عظ و معاضات روحانیون اسلامی شرکت میکند. این پزشک مسلمان، در سال ۱۹۶۸، همراه با گروه زائران شوروی به زیارت مکه معظمه مشرف شد. در جمهوریهای آسیائی اتحاد شوروی عده کثیری از دانشمندان، پژوهشگران، مهندسان، کارمندان و کارگران، مسلمان مومنی هستند که در مجامع مذهبی و مجالس و کنفرانسهای روحانی اسلامی شرکت می کنند. مجامع و مجالس روحانی اسلامی جمهوریهای آسیائی اتحاد شوروی و دوایر روحانی اسلامی این جمهوریها، در تمام امور اجتماعی و سیاسی جامعه سوسیالیستی کشور خود فعالیت دارند و شرکت میکنند و با مجامع و انجمنهای اسلامی کشورهای دیگر ارتباط و همکاری دارند.

چندی پیش کنفرانس مسلمانان در تاشکند، پایتخت ازبکستان شوروی، برگزار گردید، در این کنفرانس، که به مناسبت دهمین سالروز انتشار مجله «مسلمانان خاور شوروی» تشکیل شده بود، علاوه بر نمایندگان مجامع اسلامی کشور، هیئت های نمایندگی بسیاری از کشورهای اسلامی آسیا و آفریقا و مجامع اسلامی اروپا شرکت نمودند.

مجله «مسلمانان خاور شوروی» از جانب دائره روحانیت مسلمانان آسیای میانه و کاخاستان هر سه ماه یکبار منتشر میشود. موضوعاتی که در این مجله انتشار مییابد، بسیار متنوع و وسیع اند. اغلب مقالات و گزارشهای منتشره در این مجله در بساط فعالیت مجامع مسلمان و مسلمانان اتحاد شوروی و نیز مسائل علمی از قبیل «اسلام و دنیای معاصر» و «اسلام و تساوی حقوق خلقها»، «مقام مسجد در جامعه» و دیگری موضوعات است.

شیخ الاسلام ضیاء الدین ابن ایشان باباخان، صدر دائره روحانی مسلمانان آسیای میانه و کاخاستان، طی سخنرانی خود هنگام گشایش کنفرانس اظهار داشت، «مسلمانان شوروی از مواهب پیشرفتهای اقتصادی و فرهنگی و مادی جامعه سوسیالیستی بطور کامل برخوردارند. مسلمانان کشور

متن سخنرانی رفیق احسان طبری از صدای جمهوری اسلامی ایران

روز یکشنبه ۷ مرداد ماه ۱۳۵۸، ساعت ۳ بعد از ظهر، رفیق احسان طبری، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی و رفیق آصف رزمیدیده عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت انتخابات مجلس خبرگان

هموطنان عزیز!

اینجانب احسان طبری، بنام حزب توده ایران، بسیار خرسندم که فرصت یافته ام در صدای جمهوری اسلامی با آن برادران و خواهران گرامی سخن گویم. حزب توده ایران نامزدهای خود را برای نمایندگی در مجلس خبرگان، که وظیفه دارد پیش نویس قانون اساسی را تصحیح و تکمیل و تصویب کند، معین کرده است. ما علاوه بر این نامزدهای هفت گانه ای که برای تهران معین کرده ایم، در تهران به آن نامزدهائی (مانند حضرت آیت الله طالقانی)، که نماینده جنبش روحانیت مترقی و مسلمانان انقلابی و عناصر مترقی هستند، نیز رای خواهیم داد. در شهرستانها نیز همین روش را دنبال خواهیم کرد تا به وحدت نیروها عملاً یاری رسانیم. کاندیداهای ما در تهران عبارتند از: دکتر نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، و همچنین محمدعلی عموئی و عباس ججری و اینجانب اعضاء هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران و آصف رزم دیده و صابر محمدزاده اعضاء کمیته مرکزی که مبارزاتی از میان طبقه کارگرند و مریم فرمانفرمایان (فروز) عضو کمیته مرکزی، که از مبارزان با سابقه در جنبش زنان ایران است.

نامزدهای حزب توده ایران از کوره مبارزات سیاسی طولانی بیرون آمده اند. این حزب همیشه در جهت خلق، در جهت زحمتکشان، در جهت کارگران و دهقانان مبارزه کرده و با دستکاه استبداد و حشمتک و آدمخوار پهلوی مردانه در افتاده است. از میان صفوف این حزب خسرو روزبهها، پرویز حکمت جوها، تیزابها، حیدری بیگونها، قد علم کردند و جان خود را بیدریغ در راه مردم نثار ساختند و به شهیدان پرافتخار حزب ما و جنبش انقلابی مردم ایران بدل شدند.

حزب ما در انقلاب پرافتخار اخیر ایران شرکت موثر داشت و از اولین سازمانهای سیاسی ایران بود که به همراه امام خمینی شمار سرنگونی رژیم جبار محمدرضا شاه و استقرار نظام جمهوری را مطرح ساخت و به جمهوری اسلامی رای داد.

نامزدهای حزب ما در صورت انتخاب شدن در مجلس خبرگان، به نگران صدیق منافع طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و مدافع اصول مترقی پیش نویس قانون اساسی خواهند بود. ما در مجلس خبرگان برای تکمیل این پیش نویس در جهت تأمین استقلال

ما در معتقدات مذهبی و انجام فرایض دینی خود کاملاً آزادند. «شیخ الاسلام، ضمن ابراز تشکر از اینکه به عضویت شورای جهانی مساجد انتخاب شده، اظهار داشت،

«من این انتخاب را به مثابه قدری جهان اسلام از سهمی که مسلمانان شوروی در بسط و گسترش اندیشه های مترقی اسلام و در تحکیم روابط دوستی و همکاری میان مسلمانان جهان دارند، تلقی میکنم.» شیخ الاسلام ضیاء الدین خاطر نشان نمود که، «روابط مسلمانان شوروی با برادران همدین خود در سایر کشورهای اسلام در حال بسط و استحکام است.»

دایره روحانی مسلمانان آسیای میانه و کاخاستان با انجمنها و سازمانهای اسلامی متجاوز از ۷۰ کشور جهان ارتباط نزدیک دارند.

شیخ عبدالغنی عبدالله سردبیر مجله «مسلمانان خاور شوروی» طی گزارش خود در کنفرانس خاطر نشان نمود که،

«انتشار این مجله به توده های وسیع مسلمانان در درک صحیح ارزشهای معنوی اسلام و نقش مثبت مسلمانان در زمینه سازندگی جامعه سوسیالیستی در اتحاد شوروی کمک میکند.» سخنران گفت،

«تعالیم اسلام درباره برابری انسانها و عدالت اجتماعی، تمام و کمال در شیوه زندگی جامعه شوروی تحقق یافته و افراد متعلق به ملیتها و معتقدات مذهبی گوناگون، در این جامعه از حقوق یکسان برخوردارند. مجله «مسلمانان خاور شوروی» سال بسال خوانندگان بیشتری را جلب میکند. طی دهه های که از انتشار این مجله میگذرد، تیراژ آن چهار برابر شده و متجاوز از پانصد نفر مشترک خارجی دارد.»

نمایندگان مجامع اسلامی اردن، عراق، تونس، هندوستان، انبوی و سایر کشورهای شرکت کننده در این کنفرانس، ضمن سخنان خود فعالیت این مجله را مثبت و سودمند ارزیابی کردند. ضیاء الدین فاروق، سردبیر مجله هندی «اسلام و دنیای معاصر» که از خوانندگان دائمی مجله «مسلمانان خاور شوروی» است، خاطر نشان نمود که این مجله منبع اطلاعات وسیع و سودمندی درباره زندگی و فعالیت

و تمامیت ارضی ایران، در جهت آزادیها و حقوق دموکراتیک، در جهت تأمین حقوق حقه خلقهای ایران در تمهین سرنوشته خود، در جهت تأمین برابری کامل حقوق زنان و مردان ایران، در جهت آغاز یک راه رشد اقتصادی، که بسود اکثریت مطلق مردم ایران باشد، در جهت یک سیاست خارجی مستقل و صلح آمیز، که از جنبشهای انقلابی و رهائی بخش جهان حمایت کند، در جهت ایجاد ایرانی برخوردار از امنیت، رفاه و آزادی و آبادی خواهیم کوشید.

نامزدهای حزب ما افراد ناشناس نیستند. برخی از آنها بیش از چهل سال در جاده مبارزه اصولی علیه امپریالیسم و استبداد رزمیده اند. برخی از آنها تمام جوانی خود را تا مدت ۲۵ سال در زندانهای رژیم استبدادی بسر آورده اند.

زندگی نامزدهای حزب توده ایران نمودار دل بستگی آنها به مهن و مردم آن، دل بستگی آنها به اصول و فضایل اجتماعی است. کمتر حزبی توانسته است طی سالیان دراز و دشوار آزادی در چنین سطح آگاهی سیاسی و اجتماعی و آمادگی فداکاری برای مردم پرورش دهد.

ما بر آنیم که اتحاد همه نیروها در یک جهت واحد خلق، با قبول رهبری امام خمینی، که سیاستی ضد استعماری و خلقی را با پیگیری و قاطعیت دنبال میکند، بهترین وسیله مقابله با ضد انقلاب، پیروز ساختن انقلاب در این مرحله دشوار، تنظیم برنامه صحیح نوسازی کشور و رفیق بسوی یک تثبیت نوین است.

سیاست حزب ما نیز سیاست روشنی است. ما در میان روشهای مختلفی که در جامعه وجود دارد، از منشی سیاسی امام خمینی، نه بملل مصلحتی و فرصت طلبانه، بلکه بر پایه اصولی حمایت میکنیم. رای ما به جمهوری اسلامی با این امید همراه بوده است که این جمهوری استقلال و رهائی از بندهای نواستعماری امپریالیستی، آزادیها و حقوق دموکراتیک مردم را تأمین میکند. رای ما به جمهوری اسلامی برای همگام بودن و هم صف بودن با توده های میلیونی زحمتکشان شهر رده بود، که با این شعار موافق بودند.

حزب توده ایران در سیاست امروزی خود خواهان سیاست وحدت همه نیروهاست و دائماً مردم را در مقابل توطئه امپریالیسم، در مقابل توطئه عمال امپریالیسم و رژیم سابق، که به اشکال گوناگون فعالیت میکنند، بر حذر میدارد.

همین سبب ما مطمئنیم که حضور حزب ما در مجلس خبرگان و کار سازنده نامزدهای ما در این مجلس، بسود انقلاب ما و بسود جامعه ماست.

ما از همه کارگران، دهقانان، پیشهوران، روشنفکران، دانشجویان و دانش آموزان، بازرگانان معین پرست و سرمایه داران ملی، یعنی همه آن طبقات و قشرهای اجتماعی که ما به حقوق حقه شان احترام میگذاریم دعوت میکنیم به نامزدهای حزب توده ایران رای دهند و این حزب را که وجودش مایه قوام استقلال و دموکراسی در ایران است، با رای خود تقویت کنند.

برادران و خواهران عزیز! به فراخوان حزب ما با پشتیبانی جمعی و نیرومند خود پاسخ دهید!

پیام تسلیت حزب توده ایران به سازمان آزادیبخش فلسطین بمناسبت شهادت زهیر محسن

برادر هانی الحسن نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین!

ترور خائسانه برادر مبارز، زهیر محسن، شخصیت انقلابی سازمان آزادیبخش فلسطین برای ما موجب نهایت تأسف و تأثر شد.

حزب توده ایران این اقدام ننگین را توطئه ای کیفی از جانب امپریالیسم، صهیونیسم و دست نشانده گان رسوای آنان علیه جنبش رهائی بخش و انقلابی خلق فلسطین میدانند.

حزب توده ایران با ایمان به پیروزی انقلاب خلق فلسطین به رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین مراتب تسلیت و همدردی خود را به شما و به وسیله شما به برادر مبارز، یاسر عرفات، اعلام میدارد. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۳۵۸/۵/۷

مسلمانان و معارف روحانی اسلامی اتحاد شوروی است.

شرکت کنندگان در کنفرانس موضع اتحاد شوروی را در مورد حل و فصل عادلانه و همه جانبه مسئله خاور نزدیک مورد تأیید قرار دادند و یادآور شدند که خلقهای مسلمان عرب از اتحاد شوروی بمناسبت پشتیبانی از مواضع برحق خلقهای عرب و بویژه خلق عرب فلسطین سپاسگزارند.

سخنی

درباره

شناخت

جامعه کشورما (۲)

نقش عامل جغرافیائی در تکامل جامعه ایران

از: احسان طبری

در گفتار نخستین از این مبحث (یا از این جستار)، ما درباره قوانین عام و خاص تکامل جامعه، درباره ابعاد سه گانه بررسی جامعه، درباره سیر تکاملی و پیشرونده و اعتلائی جوامع انسانی، درباره بررسی کیفی و کمی جامعه، توضیحات مختصری دادیم.

اینک پس از این بحث مقدماتی، میخواهیم برخی مشخصات تاریخی جامعه ایران را مورد مطالعه قرار دهیم.

وقتی مشخصات و ویژگی های یک کیفیت عام (مانند جامعه) روشن شود، هویت آن کیفیت عام بناگزی روشن خواهد شد.

مثلاً حسن رضوی، دبیر سی و دوساله ریاضی دبیرستان فردوسی در

احمدآباد هم، انسان است. ولی در روی زمین چهارمیلیارد و اندی انسان زیست میکنند. از اینکه بگوئیم حسن رضوی انسان است که مطلب زیادی فاش نکرده ایم. هویت این انسان وقتی روشن میشود که مشخصات ویژه او که او را از دیگر انسانها متمایز میسازد، بر ملا شود. یعنی معلوم شود که او مردی است سی و دوساله و دبیر ریاضیات است و دبیرستان فردوسی شهرک احمدآباد به تدریس اشتغال دارد.

همین ترتیب وقتی بگوئیم «جامعه ایران» یا «جامعه فئودالی» یا «جامعه سرمایه داری ایران»، هنوز مطلب زیادی نگفته ایم. زیرا در سرزمین هر کشوری اجتماعی از مردم یا جامعه ایست. و هر جامعه ای هم صورت بندیهای (یا فرمهای) فئودالی یا سرمایه داری را طی میکند. پس باید مرکب تحقیق را جلوتر راند و دید این جامعه ایران دارای چگونه مشخصاتی است که آنرا از جوامع دیگر متمایز میسازد و هویت خاصش را بر ملا میگرداند.

ما بدون مراعات نظمی از جهت اهمیت و اولویت، این بررسی را انجام میدهیم. علت عدم مراعات نظم از جهت اهمیت و اولویت آنست که، تعیین چنین اهمیت و اولویتی آسان نیست و هنوز میدان تحقیق در این زمینه فراخ است.

یکی از مشخصات جامعه ما آنست که شکل گیری و تکامل این جامعه شدیداً تحت تأثیر ویژگیهای مهم جغرافیائی کشور قرار داشته و دارد. البته علم و تکنیک امری طوری است که میتواند بر این ویژگیها غلبه کند و از اهمیت و تأثیر آنها فوق العاده بگذرد. ولی طی تاریخ، که سطح کنونی علم و فن وجود نداشته، تأثیر مشخصات جغرافیائی زیادتر بوده و در تیلور جامعه ماتش حساسی را ایفا کرده است.

کشور ما فلاتی است کوهستانی، کم آب، در بخش مهمی بحالت کویر و نیمه کویر و یکی از گذرگاههای مهم بین خاور زمین و باختر زمین است.

همین مشخصات کم آبی، کوهستانی بودن، گذرگاه بودن، اثرات دور و درازی بر روی تاریخ جامعه ما گذاشته است. مطلب را بررسی میکنیم.

۱) در اثر کم آبی، کار کشاورزی، پستانداری، باغداری، که از هزاران سال پیش در همین ما آغاز شده و حتی در دوران هخامنشی بسط بسیار جالبی برای یونانیان آن عصر رسیده بود، تا حدودی جنبه ژرفی (انتانسیف) گرفت و زحمتکش ایرانی در رشته پرورش بندر و پیوند میوه و ایجاد انواع گوناگون درخت و بوته و گیاه، بجای در خورد توجهی رسید و کار مقایسه ای در مقیاس جهانی این مطلب را نشان میدهد.

ولی در کنار این تأثیر، تأثیر دیگر کم آبی آن بود که مسئله آبیاری در کشور ما به مسئله حادی بدل شد و ایرانی از استادان حفر جویها و کندن آبدانها و کاریزها (قنوات) است و شبکه مصنوعی آبیاری بر قدرت کدخدایان و ریش سفیدان و سرانجام فرمانداران و حکمرانان و پادشاهان افزود تا آنجا که مارکسی یکی از علل پیدایش اسیوتیس شرقی یا استبداد خشن شرقی را همین سلطه پادشاهان بر شبکه آبیاری میدانند. البته برای این استبداد باید در کنار این علت، علل دیگری هم جست، ولی این سخن مارکس نشان میدهد که وی برای نقش عوامل جغرافیائی در تاریخ چه اندازه جا باز میکرده است.

وجود شبکه ظریف و بزرگ آبیاری یک نتیجه دیگر هم داشت و آن اینکه هجومهای اقوام به کشور ما، همیشه برای تمدن و فرهنگ کشور دارای بی آمدهای طولانی و سخت هلاکت بار بوده است، زیرا وقتی شبکه آبیاری در اثر بی مبالائی یا تخریب، میخشکیدند، آنگاه احیاء مجدد آنها دشوار بود. عجیب است که حتی در دوران ما، در اثر استفاده ناسنجیده از جاهای عمیق، آسمی به کاریزهای مسا رسید که مانند گذشته، اثرات منفی در کشاورزی ما داشته است.

لذا میبینیم که پدیده کم آبی چه عواقب متضادی بیار آورد.

از سویی بر خصلت ژرفی کشاورزی ما افزوده، یعنی آنرا به سطح فنی بالاتر ارتقاء داده و از سویی مایه پیدایش بالای استبداد (اسیوتیس) شرقی شده، که از «برکت» آن ناهمین سه چهارم پیش «بهره مند» بودیم و سرانجام از سوی دیگر موجب پیدایش شبکه آبیاری مصنوعی و بی آمدن آن (ویرانگری هلاکت بار اقوام مهاجم) گردیده است.

اینها در مورد کم آبی و خصلت نیمه کویری کشور ما. ۲) امداد راث کوهستانی بودن کشور ما نیز مشخصات ویژه ای پدید شد که یکی از آنها بقای ایلات و کوچندگی بین ییلاق و قشلاق (سردگاه و گرمگاه) است همراه با بسط دامداری. وجود اقتصاد کوچنده شبانی در تضاد با اقتصاد شکننده کاریزی دهقانان، کشور ما را از بلیه تضاد و تصادم دائمی ایلات از سویی و ده نشینان و شهر نشینان از سوی دیگر، انباشته ساخته است. هر گاه در کشور ما مرکزیت یک سلطان مستبد ضعیف شد، بویژه در ایران پس از اسلام، ما شاهد تصادم دائمی اقوام کوچنده و آرمنده (ساکن) هستیم و این امر در هر مورد که تمرکز فئودالی بملتی از علل خورد میشود، دامنه میگیرد.

قدرت ایلیخانان که در زمان ساسانیان «ویسپوهران» نام داشتند (واژه ای که خود از ریشه ویس، بمعنی قبیله آمده است) از قدرت مالکان شهر نشین بیشتر بود، لذا به آسانی میتوانستند اراده ویرانگر خود را تحمیل کنند و زندگی خموش و بی آزار شهر نشینان و ده نشینان را بر هم زنند و فضا را از دغدغه «عدم امنیت» پر سازند. این عدم امنیت خود از علل مهم جلوگیری از تراکم است، خواه تراکم مادی (کنجینه سازی) و خواه تراکم معنوی (سنت های فنی و سازمانی). عدم امنیت و دشواری تراکم را، انکس از عوامل بیخونی بازرگانان و ناآماذگی زمین به سبب سرمایه داری در شرق میسرند.

این تصادم و ناامنی و فقدان تراکم مادی و معنوی، دست در دست نژادی زمین و کم آبی، یکی از انگیزه های آن رکود مدنی است که ماطی قرن ها شاهد آن هستیم و پدیده ای چیستانی و رازمانند بنظر میرسد.

دراث کوهستانی بودن سرزمین ما، شاهد جدائی اقوام از هم، بقای زبانها و نیمه زبانها (لهجات) و دشواری ارتباط هستیم. نه جاده های طبیعی و نه رودخانه پر آب، بخشهای مختلف ایران را بهم نمی پیوندند تا بازار یگانه ای زود پدید شود و فرهنگ های مختلف بهتر در آمیزد و زبانهای محلی با هم بهتر جوش بخورد و «اقوام ملی» تریب گردد. با زوری عبوس و غمگین کوههای سبک کشیده، جاده های بزرگ، جویها و رودخانه های خشکیده، هیچ کدام تشویقی برای این در آمیزی نبود و تنها سبب پیک سلطان خشن یا ایلیانار هروله خیز یک قوم مهاجم، برای مدتی این سرزمین از هم گسسته را با رشته های آهن و خون بهم میدوخت و این اجزایا بهم ملحم میکرد، وضع چنین بود تا دوران کنونی که جاده های اسفالت، راه آهن ها، راههای هوایی رابطه اجزا کشور را بهم بهش آرایش برقرار میسازد و امر با بازار واحد، فرهنگ هماهنگ، شهادت های نژادی و قوامی، همانند پهای روانی رادریهته سرزمین ما، با سرعت به پیش میراند، خود این گسستگی مکانی را نیز باید از علل عدم رشد جوانه های سرمایه داری در جامعه فئودال ایران دانست. جوانه های که متعدد بود (ارتباط یولی-کالائی، کارگاههای بزرگ بازرگانی وسیع).

۳) اما در اثر گذرگاه بودن یا موقعیت استراتژیک ایران (یا موقعیت ژئوپلیتیک آن)، این کشور از زمان هجوم های سه گانه قبایل آریائی (از ۵ هزار سال تا ۳ هزار سال پیش) بارها مورد حمله اقوام و ملل دیگر قرار گرفت، مساند مقدونی ها، حیاطله، اعراب، فرها و سرانجام استعمار غرب، که از این موقعیت ایران «خوش آمد» و آنرا بعنوان موقعیت سوق الجیشی علیه همسایه شمالی ما برگزیدند در این راه بر ما بیدارها راند و خواهد راند.

هجومها در ایران اثرات مختلف داشت:

۱) اثر منفی، بصورت در هم ریختن تمدن موجود و اثر مثبت بصورت انتقال تمدنهای دیگر، ایجاد انقلابی در نظام استخوانی شده و گشودن افق های نو. این امر بویژه در مورد سطره اعراب با ایران صادق است، زیرا ایدئولوژی اسلام، با آن دمکراتیسم و برابر طلبی قبیله ای، توانست ضربت قاطعی به نظام کلت (طبقات در بسته) اثر افی سلطنتی ساسانی و سالکت بزرگ «ورزگان» و «ویسپوهران» و «دیهاگانان» (یعنی اشراف، ایلیخانان و مالکان) وارد سازد.

هجوم اسکندر نوز از جهت انتقال فرهنگ فلسفی و هنری یونان به کشور ما اثرات دراز مدت داشته است.

حتی هجوم مغول در راه کشائی شرق و غرب، بالا بردن تأثیر تمدن چین در ایران، انتقال تمدن ایران و عرب به کشورهای اروپا و زمینه سازی نوزائی یا رنسانس اروپا دارای اثرات فراوان بود. آری تاریخ به گفته گوته در فاقوست مانند «مغیستوفل» است که شرمی اندیشد ولی خیر میا فریند!

گفتار بعد:

(تمدن ایرانی و ویژگیهای آن)

از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم	
حسین عبدالمهی اصل بحساب بانکی ۲۲۲۲	
دکتر از کر ج	۱۰۰۰۰۰ ریال
خانم م.ر.	۱۰۰۰۰ ریال
م. اختر وس. مبشر	۵۰۰۰ ریال
غید	۴۰۰۰۰ ریال
	۲۰۰۰۰ ریال

رسولی، شکنجه گر معروف، در خیابانهای تهران گشت میزند

رسولی، شکنجه گر معروف ساواک که سالیان دراز به شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی اشتغال داشت، در یکی از خیابانهای تهران توسط یک زندانی سابق سیاسی شناسائی شد. این زندانی سیاسی، هنگامیکه در پیاده رو حرکت میکرد، ناگهان با رسولی مواجه شد که همراه ۹ نفر دیگر، که مسلح به نظر میرسیدند، بسا خیال آسوده مشغول گشت زدن است. رسولی هم که حافظه نیرومندی دارد، این زندانی سیاسی را که توسط خود او شکنجه شده بود، با سرعت شناخت، به سراغ او آمد و با تهدید گفت: «اگر زیب دهننت را نکشی، کشته میشوی. انگار نه انگار که مرادیدسی.» رسولی بمداز این تهدید، پیش از اینکه زندانی سیاسی بتواند مردم راه، کمک بخواند، همراه ۹ نفری که او را همراهی میکردند، متواری شد.

ما حضور این شکنجه گر ساواک را، که یکی از کار آمدترین متخصصان تعقیب، خرابکاری و شکنجه است و سالیان دراز با جنایات حیوانی خود در شکنجه گاههای شاه، دشمنی آشتی ناپذیر خود را با مردم ایران اثبات کرده است، بعنوان یک خطر جدی تلقی میکنیم و از مسئولان مملکتی میخواهیم با انتشار وسیع عکس او، که یکبار در صفحه اول روزنامه کیهان چاپ شده است، و بسیج نیروها، هر چه زودتر دستگیرش کنند.

حضور این گرگ خونخوار، در آستانه انتخابات مجلس خیرگان، خیر از توطئه شوم شد انقلاب میدهد.

قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا نقض خشن استقلال ایران است

بر سر تاهمین استقلال کشور ماست، عهدنامه مودت با اتحاد شوروی باید حفظ شود و قرارداد دوجانبه نظامی با آمریکا باید لغو گردد. از آن پس وزارت خارجه ترازوی «موازنه منفی» را کنار گذاشت و سکوت اختیار کرد! سکوتی مطلق و مهمم، چنانکه گوئی قرارداد دور دوجانبه نظامی با آمریکا اساساً وجود ندارد و موضوع لغو آنها هم دیگر مطرح نیست. ولی قرارداد دوجانبه نظامی باقی است و موضوع لغو آنها خواست مردم ایران است که بخاطر راهائی از جنگ اسارتگر سلطه امریالیسم، که در اسنادی نظیر قرارداد دوجانبه نمودار نشده که سهل است، مردم رفته رفته دارند به این نتیجه میرسند که تمل دولت در لغو این قرارداد عمدی است. شکی در اذهان عمومی راه یافته که در پشت این تملسل، زود بند هائی برای حفظ حکمروائی امریالیسم امریکا جریان دارد.

این شک بویژه از زمانی در افکار عمومی رسوخ کرد که از طرف مقامات مسئول وزارت خارجه گرچه تلویحی ولی بقدر کافی مفهوم، کوشش بعمل آمد که قرارداد دوجانبه با عهدنامه مودت ۱۹۲۱ ایران و شوروی بنوعی هم سنگه جلوه داده شود.

بدنبال این کوشش وزارت خارجه، افکار عمومی واکنش نشان داد و این واکنش در روزنامهها انکس یافت. نوشتند و توضیح دادند که قرارداد دوجانبه نظامی با آمریکا سند اسارت استعماری نظیر قرارداد ۱۹۱۹ و توفیق الدوله است و حال آنکه عهدنامه مودت ۱۹۲۱، حامی و پشتیبان استقلال و تمامیت ارضی کشور ماست. این دو سند را، که محتوا و هدف آنها در قطب مخالفت یکدیگر قرار دارد، نمیتوان همگون دانست و نمیتوان همگون قلمداد کرد. بیش از پیش روشن شد که اگر سخن

استقلال ایران، که بخاطر آن خلق قهرمان ماهمچون تن واحد قیام کرد و بیدریغ خون داد، بدون ریشه کن کردن سلطه امریالیسم ممکن نیست و قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا یکی از مهمترین اهرمهای سلطه نظامی-سیاسی امریالیسم اسارتگر بر سر مردم انتظار داشتند که این قرارداد همان فردای انقلاب ملنی اعلام وسند تنگین آن به زبانه افکنده میشد. ولی اینک قریب شش ماه است که از پیروزی انقلاب میگذرد و این انتظار بر آورده نشده که سهل است، مردم رفته رفته دارند به این نتیجه میرسند که تمل دولت در لغو این قرارداد عمدی است. شکی در اذهان عمومی راه یافته که در پشت این تملسل، زود بند هائی برای حفظ حکمروائی امریالیسم امریکا جریان دارد. این شک بویژه از زمانی در افکار عمومی رسوخ کرد که از طرف مقامات مسئول وزارت خارجه گرچه تلویحی ولی بقدر کافی مفهوم، کوشش بعمل آمد که قرارداد دوجانبه با عهدنامه مودت ۱۹۲۱ ایران و شوروی بنوعی هم سنگه جلوه داده شود. بدنبال این کوشش وزارت خارجه، افکار عمومی واکنش نشان داد و این واکنش در روزنامهها انکس یافت. نوشتند و توضیح دادند که قرارداد دوجانبه نظامی با آمریکا سند اسارت استعماری نظیر قرارداد ۱۹۱۹ و توفیق الدوله است و حال آنکه عهدنامه مودت ۱۹۲۱، حامی و پشتیبان استقلال و تمامیت ارضی کشور ماست. این دو سند را، که محتوا و هدف آنها در قطب مخالفت یکدیگر قرار دارد، نمیتوان همگون دانست و نمیتوان همگون قلمداد کرد. بیش از پیش روشن شد که اگر سخن



ایالات متحده آمریکا راهزن بین المللی

دوشنبه گذشته، خبرگزاریها و بدنای آنها روزنامه‌ها، اظهارات هارولد براون، وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا، را با سراسوحه‌ها و عباراتی کمابیش متفاوت انتشار دادند، که آنها را میتوان در یک جمله خلاصه کرد: ایالات متحده آمریکا برای حفظ منافع حیاتی خود منطقه خاورمیانه و خلیج فارس آماده است ارتش گمیل دارد و بزور متوسل شود، ولی چون درس ویتنام را هنوز فراموش نکرده، این تجاوز را با کسب «توافق» (با دولتهای شورهای که در آنجاها منافع حیاتی دارند) انجام خواهد داد.

قبل از بررسی مضمون اصلی اظهارات آقای وزیر، بد نیست به چند مطلب اشاره کنیم، نخست اینکه ایالات متحده آمریکا تجاوز به ویتنام را با «توافق» با دولت محلی دست نشانده خود آغاز کرد و این «توافق» کمترین تفاوتی در خصلت تجاوزی مداخله مسلحانه آمریکا در ویتنام بوجود نیاورد. دوم اینکه این تجاوز هم بنام حفظ «منافع حیاتی» آمریکا انجام گرفت و این نسام نیز نتوانست خصلت غارتگرانه تجاوز را از نظر هیچکس بپوشاند. سوم اینکه خلق ویتنام، برخوردار از قدرت آزادهای ناغی از حق دفاع از هستی خود، برخوردار از پیشیانی تمام بشریت عدالتخواه و سوزیه کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی، یانکی تجاوز کار را بانیم میلیون نفر ارتش و بیش از یک میلیون نفر ارتش دست نشانده محلی، چنان شکست داد که دلباختگان «منافع حیاتی» (آنها که توانستند) به چرخ هلیکوپتر چسبیده فرار کردند. چهارم اینکه، در شرایط کنونی، حتی کسب «توافق» برای اجرای تجاوز، چندان آسان هم نیست.

● م. ک. دوستی است که تا کنون نامه‌هایی برای ما فرستاده و کمبهای مالی داده است. وی در یکی از نامه‌ها از زندگی «محسن آقا»، کارگر کارخانه آلومینیوم سازی، سخن میگوید. خود محسن آقا تعریف میکند که:

«آنوقتها خودم روزنامه‌ها را میبردیم جنوب شهر توی قهوه‌خانه‌ها، یکساعته تمام میشد. محسن آقا کتاب هم میخواند، روزنامه هم میخواند. بچه‌های محل میگویند کارگر با سوادی است. او بشدیدترین وجهی استثمار میشود. حتی یک اطاق هم ندارد و چشمانش بر اثر کار مداوم در کارخانه ضعیف شده، روز کارگر است و شب شبگرد. روزی کتاب «مارکس‌سیم» لنینیسم بزبان ساده» را میخواند، سرکارگر از دستش گرفت و پاره کرد. محسن آقا تجسم تمام ستمهای نظام سرمایه است. تمام زندانیان سیاسی آزاد شده ندوبخانه خود بازگفتند، ولی محسن آقا هم چنان در زندان کارخانه خود زندانی است و زجر میکشد. عشق و ایمان او به حزبش و به آینده بی‌انتهاست. من اغلب از خودم میپرسم: مگر حزب توده ایران چه ارتباطی با طبقه کارگر داشته است که اینهمه بهم پیوسته اند؟ محسن آقا مظهر در درونج طبقه، مظهر عشق و علاقه به حزب توده ایران، نمونه نر لاریای ایران است. محسن آقا چون کوه استوار است. خودش میگوید: «آنوقتها که جوان بودیم، میرفتیم توی دهات. من همیکل دارم و ماور کتک خوردن بودم. تا مالک، زاندارها و آدمهایش را بجان من بیاندازد، رفقایم با دهقانان صحبت میکردند و روزنامه بخش میکردند». آری محسن آقا معنای واقعی عشق به حزب طبقه را بمن نشان داد. مگر میشود حزبی در قلب کارگرها ریشه نداشته باشد و اینچنین از وفاداری طبقه برخوردار باشد. محسن آقاها سراغ حزبشان را میگیرند و وقتی نام آنرا میشوند، اشک چشمانشان را میگیرند. محسن آقا درباره اتهاماتی که به حزب میزنند، همیشه بمن میگوید: «اینها که این حرفها را میزنند، خودشان کاری از دستشان برنمیآید». همانطور که قبلاً «مردم» اطلاع داده است. م. ک. کمک مالی محسن آقا را بحزبش تسلیم کرده است. با تشکر.

● دوستی یک ورق از مجله سپیدوسپاه، شماره ۱۰۸۶، چهارشنبه ۳ آبان ۱۳۵۷، را برای ما فرستاده است. در این شماره خلاصه یک مصاحبه با دکتر ستجایی چاپ شده. دوستی که این صفحه را فرستاده، کنار این جملات از سخنان ستجایی را خط کشیده است: «بسیاری از جمهوریها هستند که بسیار مستبدتر و دیکتاتورتر از هر رژیم سلطنتی هستند و بالعکس رژیمهای سلطنتی وجود دارند که دیکر آنیک تر از جمهوریها اداره میشوند و بنا بر این ما سلطنت مشروطه را رد نمیکنیم». زیر این جمله آخر را فرستنده صفحه مجله خط کشیده و کنارش نوشته: «قابل توجه در مورد پاسخ به ستجایی».

● نامه دوست ما رضا، که از محتوای مقالات «مردم» راضی است و از کارکنان روزنامه بخاطر خدمت زحمات آنها تشکر میکند، رسیده است. وی علاوه بر نویسد: «حزب توده ایران در هیچ زمان از توده مردم جدا نبود و در همه احوال مدافع منافع زحمتکش بود و بحق شایستگی نام حزب طراز نوین طبقه کارگر را در عمل دارد. در حال حاضر که امپریالیسم آمریکا جهت انحراف توسعه مردم ایران، آهنگهای شوم و ویرانگر سازمان میکند و یادوهایش با انواع اشکال ایدئولوژیک خود را نمایان میسازند، حزب توده ایران بدستی با افشای ماهیت واقعی این عناصر، در حقیقت بار سنگینی از دوش افراد صادقی که مردم و برز و بوم خویش عشق میورزند، اما با حمایت این سیاستها بی نبرده اند، بر میدارد. لیاقت و کارائی سیاسی حزب هم اکنون کاملاً عیان است». این دوست ما قطعه شعری هم فرستاده است.

● آقا ای خانم فرهنگ! از همدان درباره خط مشی و سیاست سی و هشت ساله حزب باین سادگیها نباید قضاوت کنید. کمی مطالعه در گذشته، کمی آشنائی با مبارزات و نظریات و برنامه‌های حزب و کمی آشنائی با عقاید کنونی و نظریات و برنامه‌ایکه فعلاً ارائه میداریم و تحلیلی که از اوضاع میکنیم، البته با اضافه کمی هم انصاف و قضاوت سنجیده لازم است تا در باره مسئله‌ای باین اهمیت اظهار نظر کرد. ما از شما نمی‌طلبیم که یکدفعه همه حرفهای ما را باور کنید، ولی از شما میخواهیم یکبار و بی مطالعه و وقت هر ادعا و تهمت و اتهامی را هم به حزب توده ایران نیندازید. خودتان در طول مدت با بررسی عمیق و در جریان مبارزه و ضمن مقایسه روشها و خط مشی ما و تحلیلهای نظریات ما با سایر نظریات، به صحت این یا آن نظر پی ببرید. انقلابی بودن بسادعا و حرف و عبارات آتشین گفتن نیست، بعمل کردن در جهت پیشبرد منافع واقعی خلق زحمتکش و همین، در جهت تحول بنیادی جامعه ماست. آن یک خیلی آسان است و هم اکنون دهها گروهک باین کار، یعنی به انقلابی نمائی و جمله پردازی چپروانه، که خدمت مستقیم بحزب دشمن است، سرگردند، ولی این یکی یعنی مشی انقلابی واقعی و سیاست واقعا انقلابی، کار دشواری است. امیدواریم در جستجوی خودویی بردن به حقیقت موفق باشید.

گزارشی از برگزاری مراسم یاد بود سی تیرماه ۱۳۳۱ در شیراز

ساعت هفت بعد از ظهر روز شنبه ۳۰ ام تیرماه ۱۳۵۸، بنا بدعوت سازمان حزب توده ایران در شیراز، مراسم سالگرد سی ام تیر در تالار امیر کبیر دانشکده مهندسی دانشکاه شیراز، با شرکت گروه کثیری از اعضاء و هواداران حزب و سایر میهن پرستان و آزادخواهان برگزار گردید.

ابتدا بیاس جانفشا نیاها و بزرگداشت شهدای گلگون کفن این روز، یک دقیقه سکوت اعلام گردید. پس از آن سرود حزبی، همراه باهم آوایی شرکت کنندگان، بطور دسته جمعی خوانده شد. سپس یکی از دوستان، ضمن بررسی این قیام و درسهای اتحاد نیروهای شرکت کننده در این روز تاریخی و پیروزی مردم بردستگاه چهار دربار خائن پهلوی و استعمارگفت، «سی تیر ۱۳۳۱ روزی بود که توده‌ای و مصدقی و سایر آزادخواهان ضد استبداد و ضد امپریالیست متفقاً بیدان نبرد رفتند. روزی بود که بحق جای برجسته‌ای در تاریخ مبارزات ضد استعماری و ضد استبدادی مردم ما کسب کرده است. در جای دیگری این سخنرانی چنین می‌آید: «امپریالیسم آمریکا، با توافق امپریالیسم انگلستان، با استفاده از کلیه شیوه‌های نو استعماری توطئه را تدارک میدیدند. متأسفانه در آن زمان در بین بخشی از نیروهای ملی، در دولت و در بین زعماداران نسبت به امپریالیسم آمریکا یک خشوش بینی غیر واقعی وجود داشت. حزب توده ایران پیش از آن و در تمام دوران حکومت ملی مصدق، بارها چهره کریمه امپریالیسم آمریکا را با افشاگریهای خود میدیدند، و چنانکه مشاهده کردیم، این دشمن خونخوار و چپاولگر خلقهای جهان، با اجرای نقشه کودتای شوم ۲۸ مرداد، بوسیله عمال خود، که در رأس آن دربار پهلوی و شخصی شاه مخلوع قرار داشت، بمدت ربع قرن بهترین فرزندان میهن ما را قتل عام کرد و در توتاهی ملی ما را با شدیدترین وضع به یغما برد».

در این بررسی سپس چنین می‌آید: «در شرایط کنونی نیز امپریالیسم جهانخوار، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، با حیل‌های گوناگون، توسط عمال رنگارنگ خود از «چپ» و راست، در میان نیروهای خلقی به تفرقه اندازی مشغول است و با دست زدن به ترور، خرابکاری، آتش سوزی، ترکاندن لوله‌های نفت و گاز، تحریک احساسات ملی، تشویق در کوچ و فرار منزها و با ایجاد روحیه هراس و تردید، تقنین بین نیروهای صادق ضد امپریالیست، ایجاد آشفتگی اقتصادی در تولید و توزیع و هزاران عمل ابله‌سی دیگری، سعی دارد انقلاب عظیم مردم ما را به بیراهه سوق دهد».

در پایان این مطلب چنین نتیجه گرفته میشود: «ضرورت اتحاد عمل همه نیروهای ضد امپریالیست و احزاب و سازمانهای معتقد به انقلاب ایران، که پشتیبانی از موضعگیری قاطع و پیگیر امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، در مبارزه با امپریالیسم و بازمندانگان رژیم سرنگون شده شاه مخلوع کاملاً احساس میشود. ما در این روز تاریخی، با یادآوری از رویداد بزرگ سی ام تیرماه ۱۳۳۱، بخون پاک شهیدان این قیام سوگند یاد میکنیم که در راه اتحاد همه نیروهای هوادار انقلاب بکوشیم و علیه تمام توطئه‌های آشکار و پنهان ضد انقلاب، با امپریالیستها و در رأس آن امپریالیسم آمریکا و ایادی جیره خوار آنها در ایران، تا آخرین لحظات حیات بیکار نکنیم. زنده باد جبهه متحد خلق!»

بدنبال سخنرانی، یکی از همراهان حزب، شعری را که خود بمناسبت قیام سی تیر سروده بود، قرائت کرد که با استقبال پرشور حضار روبرو گردید. سپس پیامهای تشکیلات دمکر اتیک زنان شیراز، سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات- شیراز و کانون دانش آموزان دمکرات شیراز قرائت گردید.

جمشید، یکی از دوستان، در وصف حزب توده ایران شعری را که خود سروده بود، خواند و با استقبال فراوان شرکت کنندگان مواجه گردید.

در پایان یکی از همراهان حزب، شعر «پهر مرد و سه تارش» را بصورت دکلمه اجرا کرد که مورد تشویق فراوان حضار واقع شد.

این مراسم در ساعت ۸ و نیم بعد از ظهر، با نواختن سرود حزبی، بپایان رسید.

چنانکه وزیر خارجه کویت، همین دوشنبه گذشته چنین «زدوبندی» را نا ممکن دانست، زیرا دیگر آن زمان سپری شده است که خلقها را بسادگی به اسارت درآورد.

● مانند همیشه اشعار متعددی در سافت کرده‌ایم. «مردم» از اینکه بملل یاد شده در شماره‌های قبل نمیتواند همه این اشعار را چاپ کند، متأسف است. در پایان این ستون یادآوری میکنیم که با اعضاء دانشجوی شعری دریافت کرده‌ایم درباره خسرو روزبه واز حق شناس باز برای روزبه این ابیات: «گرچه بدترین خسرو دادا ز ستم بر باد، نقد جان شیرینت ای تو بهترین فرهاد/ لیک شد تو هو موار، راه سخت آزادی، باروز خون تو/ شد درخت آزادی». فدای شعری از ما زندران فرستاده تقدیم به حزب، که با این بیت آغاز میشود: «تو بینما بهارانی، تو پیوند قلوب خسته مجموع یارانی». کازرونی نیز شعری برای حزب دارد با این آغاز: «در باغچه نشاط گلهای سرخ و در چشمان مجرب کارگران، نشان تو را میبینم».

شعر طویل «آینده» از صحرائی، درباره حزب و با همین مضمون از شریف نژاد و «بار دگر آمد» از م. ر. (اصفهان)؛ شعری طویلی از معصوم پناه و باز هم شعری از پروژو، «در میدان بزرگ شهر/ بیکر تنومند آزادی را بدار زدن/ و زمزمه کردند که آزادی مرده است». و شعر از مشهد، حزبی که بوده است و هست و خواهد بود» و با همین مضمون از س. سلمانی و همچنین شعری از حبیب الله. ش. از جمله اشعار دریافتی است. دوست دیگری از شیراز شعری فرستاده با این مطلع: «همرزم من بجوش چون چشمه از درون زمین سرشار/ بر خشکسالی بسی نمری پر بار» دو شعر از صومعه سرا دریافت کرده‌ایم که دوست ما «ش» آنها را سروده، یکی درباره حزب و دیگری درباره جبهه خلق. اولی منجمه با این بیت: «با پشانی پرچین/ ورنج زمان بر چهره/ نقلی از تاریخ و تقویر در بیان دارد». از فرهاد دوشمربا عنوان «باز آمدی» و «کیمیای تاریخ» رسیده و از د. الف. شعری بافتخار قهرمانان شهید توده‌ای و با نام «سلام بر حزب».

وزیر دفاع و کمیته روسای ستاد اتخاذ شده است. بدینسان امریکامان آمریکا، متجاوز همان متجاوز، غارتگر همان غارتگر، راهزن بین المللی همان راهزن و ابله نیز همان ابله است که دردنها بسیار آزموده، ولی هیچ چیز نیاموخته است. کودبینی از این بیشتر که «تجربه» ایران را، مرحله به مرحله، عیناً و دقیقاً، در نیکاراگوئه نیز «پیاده کرد» بدون اینکه بتواند ببیند که همان نتیجه حاصل خواهد شد.

بدبختی امپریالیسم و خوشبختی خلقها در این است که امپریالیسم هیچگاه نخواهد توانست نیروی توده‌های مردم را در محاسبات خود وارد کند.

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلاً هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود.

نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

رقا و دوستانی که در خارج از کشور اند، میتوانند کمک مالی خود را به نشانی زیرین ارسال دارند، Sweden Stockholm Sparbanken Stockholm Np: 0400 128 50 Dr. John Takman

با در نظر گرفتن نکاتی که بدانها اشاره رفت، اظهارات هارولد براون دارای یک مضمون و یک معنا، بدون هیچ شاخ و برگ است، و آن اینکه، ایالات متحده آمریکا برای «منافع حیاتی» خود، یعنی برای غارت اموال دیگران، مجدداً به سیاست قبیل از ویتنام روی آورده است، و بر خلاف گفته رئیس پنتاگون، درس ویتنام را، که با خصلت تجاوزکار امپریالیسم درنده و غارتگر سازگار نیست، فراموش کرده است.

خلاصه براون گفته است واز قول خودش هم ننگفته است، بلکه بر مبنای تصمیم «کمیته تجدید نظر در سیاست» کاخ سفید گفته است که، آمریکا ممکن است برای ادامه غارت هستی کشورهای منطقه خلیج فارس ارتش گمیل دارد. این ارتش نیرویی است بنام نیروی واکنش سریع، بفرماندهی ژنرال رالف لورنس، نیرویی ظاهراً ۱۱۰ هزار نفری ویژه، که از طریق هوا «پرتاب» خواهد شد و بوسیله ناوگان ویژه‌ایکه میبایستی در آبهای شمال غربی اقیانوس هند، در کنار شاخ آفریقا و شبه جزیره عربستان تشکیل یابد، و نیز با انگلیس و یانکی‌های نظامی در بحرین و بصره که آنها نیز میبایست توسعه یابند، تقویت خواهد گردید. همه این تصمیمات در دو جلسه کمیته «تجدید نظر در سیاست» کاخ سفید، یکسی در ششم و دومی در سیزدهم ژوئن، با شرکت رئیس شورای امنیت ملی، وزیر خارجه،

اخبار کارگری

کارگران با اتحاد خویش توطنه‌های دشمنان را خنثی میکنند

راندگان شرکت ایران سرعت، پس از سالها بالاخره سندیکای کارگری خویش را تشکیل دادند تا بتواند با نمایندگان حقیقی خویش مشکلات فراوان خود را حل نمایند. در این

انتخابات، که با اکثریت قریب به اتفاق راندگان و با نظارت آقای حسن هدایتی و آقای حسن زندیه خرم آبادی تشکیل شد، ۵ نفر از راندگان بسدین ترتیب انتخاب شدند،

۱- آقای ایوانلو ۲- آقای ایازبیداری ۳- آقای ایوانی ۴- آقای محمد نیک پی ۵- آقای محمد کریم علامتی. صورت جلسه انتخابات برای آقای هادی و همچنین آقای داریوش فروهر و

آقای صدوقی و بازپرس دادستان انقلاب و کمیته امام ارسال شده است.

کارفرمای این شرکت همواره برای تفرقه در بین کارگران توطئه میکند، از جمله استوار بازنشسته‌ای را بعنوان راننده استخدام کرده بود، که این شخص، از همان روز اول از طریق پخش شایعه و دروغ پراکنی ایجاد تفرقه میکرد که با اعتراض راندگان و خواست آنها برای اخراج او همچنین با تأیید نمایندگان مذکور، از شرکت اخراج گردید. مشکلات این شرکت، بخصوص ترمینال واقع در ۱۶ کیلومتری جاده ساوه، بقدری بفرنیست که باعث نگرانی است.

در خواستهای قانونی و حقه اتحادیه کارگران پیمانی حمل و نقل وابسته به شرکت نفت در مناطق نفت خیز اهواز، مسجد سلیمان، خارك و گچساران و علت اعتصاب آنان

آنها محروم گردیدیم (از قبیل حق مسکن که حق طبیعی همه مستضعفان است و نیز اضافه حقوق) به ما داده شود. ۴- اجرای کامل قانون کار در مورد همه کارگران سازمانهای حمل و نقل وابسته به شرکت نفت رعایت گردد.

با اینکه این درخواستها مشروع و بحق است، متأسفانه مذاکرات و اقدامات قانونی ما تاکنون به نتیجه نرسیده است.

ما در این شرایط حساس اعلام می‌داریم که این ناراضی‌تراشی‌ها فقط بسودن انقلاب است. ما در عین نگرانی از اینکه ضد انقلاب در همه جا مترصد سوءاستفاده از آشفتگی‌های کنونی به نفع مصالح پلید و ضد انسانی خویش است و با اعلام دل بستگی به حفظ دستاوردهای انقلاب و نفرت طبقاتی کارگری به ضد انقلاب، چون به حقانیت درخواستهایمان ایمان داریم، برای رسانیدن صدای خود و خانواده‌های متمسکینمان به گوش رهبر بزرگ انقلاب، امام خمینی و اولیای دولت و جناب آقای نذیر رئیس هیأت مدیره شرکت نفت، بعنوان اتحادیه کارگران پیمانی حمل و نقل صنعت نفت اجرای خواستهای بحق و مشروع فوق‌الذکر را بار دیگر تقاضا می‌کنیم و به اطلاع می‌رسانیم که تا رسیدگی کامل به مواد ذکر شده بالا از تاریخ ۱۳۵۸/۴/۲۸ در محل کار خود حاضر خواهیم شد، ولی در اعتصاب نشسته و آرام خواهیم بود.

با درود فراوان به رهبر بزرگ انقلاب ایران امام خمینی و تمام طبقات زحمتکش ایران! اتحادیه کارگران پیمانی حمل و نقل شرکت نفت در مناطق نفت خیز

ما کارگران حمل و نقل پیمانی وابسته به شرکت نفت در مناطق نفت خیز جنوب، اهواز، مسجد سلیمان، خارك و گچساران مدت قریب بیست سال در زیر یوغ استبداد و استثمار وحشیانه رژیم فاسد، تبهکار و چپاولگر پسر رضا خان و سرمایه‌داران واسطه زالوصفت متحمل همه گونه ستم شده‌ایم.

اکنون که برای مبارزات دلاورانه کلیه طبقات و قشرهای مستضعف و زحمتکش، منجمده کارگران مبارز، و برای قهرمانی‌های افسانه‌ای هزاران مرد وزن شریف، که بخاطر حق و استقلال و آزادی جان باختند، انقلاب شکوهمند اسلامی تمامی مردم ایران به رهبری زعيم بزرگ ما امام خمینی پیروز شده است،

انتظار داریم که بینیم در محیط کار ما روابط و ضوابط کار بر مبنای عدالت و قسط بنا شود. بر اساس همین انتظارات منطقی که از حکومت اسلامی خود داشته‌ایم و داریم، صمیمانه از اولیای شرکت نفت تقاضا کرده‌ایم که بیایند و از نزدیک وضع اسفبار ما و خانواده‌هایمان را ببینند و خواستهای مشروع ما را مورد رسیدگی قرار دهند. ما می‌خواهیم که،

۱- دست‌آیادی واسطه که از زحمات شبانه روزی ما بهره‌های کلان به‌جیب می‌زنند، بین شرکت نفت و ما قطع گردد.

۲- ما را در ردیف «کارگران رسمی» شرکت نفت محسوب دارند و از محرومیت‌های ظالمانه ناشی از «کارگر غیررسمی» و «پیمانی» بودن نجات دهند.

۳- کلیه مزایایی که در مدت انقلاب به کارگران شرکت نفت پرداخت شده، ولی ما از

کلیه زمینهای زراعی متعلق به دهقانان است

دست‌مالکان بزرگ و زمینداران سرمایه‌دار از روستاها کوتاه باد!

اخبار و گزارشهای واصله از دهات گوناگون نشان میدهد که مالکان بزرگ و زمینداران سرمایه‌دار از فرصت کنونی سوء استفاده کرده و در بسیاری نقاط، بعلت ضعف و ناروشنی سیاست دولت و گناه حتی هواداری مقامات مسئول از مالکان، دست به بورشی بیسابقه علیه دهقانان زده و بجمع‌آوری محصول و پس گرفتن زمینها زده‌اند. مردان مسلح یا چماقداران مالکان بدهات حمله می‌کنند. در بسیاری از روستاها دهقانان نیز مردانه از حق مسلم خود، از زمینی که حق آنها و مال آنهاست، دفاع میکنند و نمیگذارند نتایج انقلاب بزرگ خلقی ما از جانب مشتاقان غاصب و استثمارگر لکه‌دار شود. عملاً دهقانان با حق طلبی خویش مدافع انقلاب و مالکان با زورگویی و حق‌کشی عامل ضدانقلاب، «آرام کردن» مناطق روستایی با دلجوئی از مالکان غارتگر و مماشات در برابر عمل ضدانقلابی آنان ممکن نیست.

در همین هفته‌های اخیر نمونه‌های متعددی از این رویا دوی در آذربایجان و مازندران، در کردستان و خوزستان، در فارس و کرمان، در گرجان و خراسان دیده شده، که حدت مسئله را نشان میدهد. در اینجا گزارشی را که از اصفهان بدست ما رسیده، بعنوان نمونه تازه‌ای چاپ میکنیم و سپس یکبار دیگر نظر کلی خود را در این مسئله بسیار مهم و حیاتی تکرار می‌نمائیم.

روز ۳۰ تیر، کشاورزان شهرک امام (قلعه دژ سابق) در مقابل کمیته امام، واقع در خیابان شاه اسماعیل اصفهان، دست به تجمن زدند و خواستار احقاق حقوق پایمال شده خود از جانب محمدجعفر کازرونی، مالک و سرمایه‌دار معروف دوران رژیم سابق شدند. آنها با خود پلاکاردهائی با این مضمون همراه داشتند:

۱) از دادگاه انقلاب میخواهیم اموالی را که کازرونی از ما تصاحب نموده هر چه زودتر در اختیار ما قرار دهند.

۲) زارعین شهرک امام خواستار دستگیری و مجازات کازرونی، سرسپرده رژیم منفور پهلوی هستند.

گزارشگری که این مطلب را به «مردم» اطلاع داده اضافه میکند که، در زمان اصلاحات ارضی رژیم سابق، میزان زمینی که این کشاورزان روی آن مشغول کشت بودند، ۲۴ الی ۲۵ هزار جریب را شامل میشد، که مالک و سرمایه‌دار منفور، بعنوان اینکه ۲۰ هزار جریب آن شامل کشت صنعتی است و کشاورزان بصورت روزمزد روی آن کار میکنند، این مقدار را از قانون اصلاحات ارضی معاف میکنند و بقیه را هم در عمل به ۱۲۰۰ الی ۱۵۰۰ جریب کاهش میدهند و از آن بیهوده سهم کشاورزان را هم پرداخت نمیکند. در همان زمان کشاورزان دست به اعتراض می‌زنند، که بگفته خود روستائیان، اعمال شاه و مالک سه نفر از آنها را میکشند و ده نفر را بزندان ازبک الی سه سال محکوم میکنند. در آنزمان «جرم» این اشخاص را دستورده‌ای و خرابکار» عنوان میکردند. بعلاوه خانواده‌های کشته شدگان و زندانی شدگان خواستار رسیدگی به جنایت و مجازات کسانسی هستند، که خون مبارزان را بر زمین ریختند.

از این نمونه‌ها در روستاهای مهن ما بسیار زیاد است. دیگر وقت آن رسیده است که پس از انقلاب شکوهمند خلق قهرمان ما، مسئله زمین

بسود دهقانان زحمتکش، بنحوی قاطع و بی‌تردید حل شود. اجرای اصلاحات ارضی واقعی، بنحوی که همه دهقانان زحمتکش بصورت فردی یا تعاونی و گروهی مالک زمینی باشند که روی آن کار می‌کنند و محصول آن مال خودشان باشد، يك خواست حقه و يك ضرورت زمان است. داشتن زمین، طرد بهره‌کشی از جانب مالک زمین، حق مسلم همه دهقانان ایران است. این يك ضرورت انقلابی است. زمین باید مال کسی باشد که آنرا می‌کارد و روی آن کار می‌کند. بجز واحدهای صنعتی شده بزرگی که نحوه تولید در آنها ایجاب میکند که بدست دولت و مستقیماً توسط دولت، بخاطر تولید بیشتر و تحکیم استقلال اقتصاد کشاورزی، اداره شود و کارگران کشاورزی باید در آنها نظرو نظارت داشته باشند، در بقیه موارد، یعنی اکثریت مطلق زمینهای ایران، باید بساط مالکیت بزرگ فردی و زمینداری بزرگ غارتگرانه از بین برود. زمین باید در اختیار دهقانان قرار گیرد، این واگذاری می‌تواند شکل شخصی و انفرادی بخود بگیرد یا بشکل گروهی و تعاونی باشد. بسته به محل و نوع کار و سوابق و سنتها، بسته به امکانات دادن اعتبار و کمک و مدیریت و غیره، میتوان این یا آن شکل را با انتخاب و بنا بعمل آورد خود دهقانان زحمتکش اجرا کرد. اما در هر صورت بساط بقایای مالکیت و استثمار فئودالی و بساط مالکیت بزرگ سرمایه‌داری بر زمین باید برچیده شود و اصلاحات ارضی و نحوه اجرای آن باید فقط نفع دهقانان زحمتکش و نفع اقتصاد سالم و مستقل کشور را در نظر داشته باشد. در این مسئله نیروهای مختلف سیاسی و مذهبی اظهار نظر موافق میکنند و هر يك بنابه معتقدات و اصول اندیشه‌ای خویش، ازوم این چنین برخوردی با مسئله دهقانی و مالکیت زمین را خطا و نشان می‌سازند. يك نگاه به تفسیرها و راهنمائیها و اظهار نظرهای منتشره در زمینه اصلاحات ارضی درج‌رایده مختلف نشان میدهد که طیف بسیار وسیعی از نیروها باین اصول معتقد شده‌اند.

اگر زمانی حزب توده ایران تنها و اولین بیانگر خواست دهقانان زحمتکش در مورد اصلاحات ارضی بنیادی و قساطرع بسود دهقانان زحمتکش و بدست دهقانان زحمتکش بود و بسیاری از فعالینش بعلت مبارزه علیه مالکان بزرگ فئودال بزندان افتاده و شکنجه شدند، اینك دیگر این نیاز عینی و خواست عمومی جامعه ما را بسیاری از نیروهای مذهبی و سیاسی مترقی بیان میکنند. این نشان میدهد که چقدر مسئله حاد است و زمان حل آن فرا رسیده است. هیچگونه تأخیری نه‌چایز است نه‌موجه.

در زمان ما این ضد انقلاب است که از تأخیر در حل مسئله سود می‌برد. پایکاه طبقاتی ضد انقلاب، منجمده در بین فئودالها و مالکان و زمینداران بزرگ است. بخاطر سرکوب ضد انقلاب، بخاطر دفاع از انقلاب، باید زمینها را از آنها گرفت و بد دهقانان پس‌داد. آن مالکان بزرگی که دست بجنایت زده‌اند، باید در برابر مردم پاسخگو باشند. حق دهقانان باید با آنها بازگردانده شود. انقلاب ما از این راه نیروی بزرگ و ولایزالی را به جمع قوای خود خواهد افزود و ضمن حل يك مسئله بزرگ اقتصادی و یکی از احادترین مسائل اجتماعی، در نبردی که بین خلق ما و منجمده دهقانان زحمتکش از یکسو و امپریالیست‌ها و اعمال داخلی‌اش و منجمده زمینداران و مالکان بزرگ از سوی دیگر در جریان است، کفه توازن را بسود انقلاب، بسود خلق شکنج‌تر خواهد ساخت.

با خود برداشته و بخارج گریخته است. چون کارخانه بودجه‌کافی برای تولید بیشتر ندارد، در شورای کارخانه، کارگران و کارمندان تصمیم گرفته‌اند که از حقوق خود به بودجه کارخانه کمک کنند. آنها درشورا تصمیم گرفتند که در هر ماه از حقوق کارگران هر نفر ۵۰۰ تومان و از حقوق کارمندان هر نفر ۷۰۰ تومان به بودجه کارخانه کمک شود.

کارگران و کارمندان شرکت ایران گاز به بودجه کارخانه کمک میکنند

کارگران شرکت ایران گاز چند روزیست که شورای خود را در کارخانه تشکیل داده‌اند. شرکت

کارگران بیکار شرکت تهران تاج حقوق دوران بیکاری دریافت میکنند

«بنیاد پهلوی» سابق، در زمینه سرمایه‌گذاری درشرکت‌های ساختمانی، در گذشته فعالیت زیادی داشته است. اکثر شرکتهای ساختمانی، که در طرح ساختمانی منطقه «فرخ‌زاد» کار می‌کرده‌اند، متعلق به «بنیاد پهلوی» بودند. بعد از تغییر و تحول اخیر و تبدیل «بنیاد پهلوی» به «بنیاد علوی»، اداره امور این شرکتهای بدست مسئولین دولتی افتاده است. اکثر این شرکتهای هنوز کارشان را کد است و کارگران نشان بیکارند. یکی از کارگران شرکت تهران تاج میگفت: پس از ۶ ماه بیکاری به شرکت مراجعه کردم و مبلغ ۸۰۰۰ تومان بابت حقوق زمان بیکاری دریافت کردم. او معتقد بود که این پول برابر با نصف حقوق ششماهه اوست و دولت کارگران این شرکت را از گرسنگی نجات داده است.

کارخانه آجر آریا شید

کارخانه در ۲۰ کیلومتری جاده تهران-ساوه در جنب شهرک اوآن قرار دارد. تولید آجر نما بطریقه اتوماتیک بسا کوره‌های گازوئیلی است. جمعا دارای ۷۳ نفر کارگر است. تولید روزانه آجر کارخانه، با توجه به اینکه شامل دو کوره است، با کارکردن یکی از کوره‌ها به ۱۸۰۰۰/۰۰ الی ۱۰۰۰/۰۰ عدد میرسد، که دانه‌های ۳/۵ ریال بفروش میرسد. حقوق کارگران روزانه ۳۵-۵۰ تومان است. ساعات کار روزانه ۸ ساعت است، بدون احتساب نیم ساعت برای صرف ناهار. در کارخانه تهویه و کولر وجود ندارد. تابستان درجه حرارت به ۴۰ درجه و در بعضی از نقاط کارخانه به ۵۰ درجه میرسد. کارگران فاقد لباس کاراند. کارخانه کلا فاقد سرویس ایاب و ذهاب، سرویس و توالی، نهارخوری و لباس‌کشی است.

کارگران اغلب از شهرکهای جاده ساوه به آنجا آمده‌اند و همه استخدامی و بیمه‌اند. غذای نیمروز آنها اغلب نان و پنیر گوجه و خیار است بعضی مواقع هم شب مانده‌ای با خود می‌آورند. سن کارگران از ۱۹ تا ۵۰ سال است. در کارخانه هنوز ۳ کارگر پاکستانی-۲ نفر برق‌کار و یک نفر راننده- و تعدادی انگشت‌شمار کارگر ساده افغانی نیز کار میکنند که آنها در محل کارخانه بطرز فجیع غیر بهداشتی زندگی میکنند. کارگران اکثراً بیسوادند و نماینده‌ای دارند که راننده بلدوزر است. کارخانه متعلق به چند سرمایه‌دار است که یکی از آنان حاجی پیروز است. کارخانه در حال حاضر بوسیله مدیر شرکت به سر حاجی پیروز است، اداره میشود.

دو نوع تعبیر از دین در جامعه امروزین ایران

از راست واز «چپ» میخواهند دیانت را بجای عامل اتحاد بوسیله تفرقه بدل کنند

دو نوع تعبیر از دیانت اسلام در جامعه امروزین ایران مرسوم شده است. یک تعبیر سنتی

زدین اسلام ومذهب جعفری تشیع، که تکیه خود را بر مراسم عبادی میکند و یک تعبیر نوین، که بر

وظایف سیاسی واجتماعی اسلام تکیه میکند و اسلام را بصورت یک جهان بینی انقلابی ومصلح

عرضه میکنند.

تعبیر نوین طی بیش از نیم قرن اخیر در ایران وبرخی دیگر کشورهای اسلامی پیدا شده و تلاشی است بمنظور درک عمیق تر رسالت پیغمبر اسلام و دادن محتوای ژرفتر وفراتر ومشخص تر به آیات و مآثورات و پاسخگویی به پرسش های سوزان عصر وتکامل جامعه ایران از زبان اسلام.

در خود این تعبیر اخیر نیز جریانات مختلفی دیده میشود، کسانی کوشیدند تا مدارف اسلامی را بشیوه نوینی طراحی کنند و از جمله با تکیه بر اسفارد صدالدین شهرآزی، نوعی فلسفه اسلامی، بویژه برای مبارزه با «ما تر یا لیسمدیا لک تیک» پدید آورند. آشنائی این افراد از فلسفه مارکس وانگلس در حدود بیان ساده شده و اولیه ای بود که نزد برخی مولفان مارکسیست ایرانی یافته اند ولذا معارضه آنها بکلی از کنار هدف میگردد و آنچه در این زمینه نوشته اند، اعتبار یک بحث علمی واقعی را فاقد است. اما کسانی کوشیدند تا اسلام وتشیع را به افزار معنوی مبارزه خلاق علیه امپریالیسم، صهیونیسم و رژیم جابر وقاسد سلسله پهلوی بدل کنند. در این زمینه بویژه باید از امام خمینی نام برد ونیز از متفکران اسلامی دیگری مانند آیت اله طالقانی و دکتر علی شریعتی و ابوالحسن بنی صدر و دیگران. آن ایدئولوژی اسلامی، سیاسی واجتماعی، که به برکت کوشش اینان و جمعی دیگر از متفکران اسلامی کشور ما پدید شده و «پیش تو حیدی» نام گرفته، پرچم معنوی بسیار مهم در مرحله اول انقلاب پیروزمند ایران علیه سلسله پهلوی وبرای استقرار جمهوری اسلامی بود و کماکان در بختی انتقالی کنونی دارد نقش متربی در بسط و گسترش دستاوردهای انقلاب ایفا میکند.

شباهت با هدفهای حزب ما

اظهار نظر ما درباره نقش مثبت اجتماعی این پیش تو حیدی و شباهت اهداف آن به هدفهای حزب ما، مایه حیرت وسؤال در محافل برخی مدعیان «مارکسیسم - لنینیسم» شد و در این محافل این سؤال پیش آمده که: چگونه «مارکسیسم - لنینیسم» میتواند با یک ایدئولوژی مذهبی همسازی یا بداند و اینکه «حزب توده ایران» در این زمینه خدعه وعوام فریبی

اسلام، ایدئولوژی اجتماعی

امام خمینی، با حفظ وفاداری اکید خود به همه معتقدات اسلامی و شیعی، تکان تازه باین روند داده وامروز اسلام در کشور ما، بیش از پیش خود را بصورت یک ایدئولوژی اجتماعی تنظیم میکند.

نفهمیدن نقش مذهب بطور اعم ونفیدن این رفورمیسم مترقی مذهبی وعملکرد آن در انقلاب کنونی بطور اخص، خطائی است بزرگ و دارای نتایج منفی.

لذا آنچه که حزب ما در این زمینه گفته و میگوید، بازیهای دیپلماتیک، انحراف از اصول، بازبین گرائی در مارکسیسم نیست، بلکه در آمیختن تحلیل صحیح ومشخص علمی واصولی با واقع گرائی سیاسی است. لنین تأکید میکند که معنا وریشه هر گونه سیاست حزب پرولتاریا این بیوند استوار اصولی با نرمنش عملی است. ما به این مدعا این آشنائی با جهان بینی مارکسیستی بنوبه خود توصیه میکنیم که، هم این جهان بینی را با جامعیت بیشتر بیاموزند وهم آنرا با خلاقیت بیشتر بر شرایط ایران پیاده کنند.

در عین حال ما با آن جریاناتی که میخواهند اسلام را به پرچم دشمنی با مارکسیسم - لنینیسم بدل کنند، با نظر هوافق نمی نگریم. آیا مسلمان واقعی آنکسی است که وقتی یک پیرو مارکسیسم - لنینیسم با او میگوید: «برادر! خواهی من حاضرم در راه سعادت ایران وانسان، همراه وهمگام تو، بسوی هدفهای مشترک برویم ومعنی را بر لفظ ومحتوی را بر شکل مرجع شمردیم»، باید این دست آخته شده اتحاد را رد کند وبگوید: «نه! اختلاف ما بر سر برخی مسائل کلی فلسفی، از اتحاد ما بر سردها مسئله حاد ومبرم ومشخص اجتماعی روزمهرت است، لذا باید آتقدربر سر هم بگویم، تا دشمن مشترک ما بر ما پیروز شود».

بنظر ما پاسخ اخیر، پاسخ یک مسلمان واقعی ومبارز نیست. در بسیاری اظهارات امام خمینی و آیت اله طالقانی وسایر متفکران مترقی و واقع بین اسلامی نیز، مانند ما، باین قبیل تفرقه افکنان پاسخ منفی داده شده وبر روی «وحدت کلمه» همه مجاهدان راه سعادت ایران تکیه شده است.

میکند.

این حیرت وسؤال و تهمت، ناشی از فقدان تصور جامع ودقیق از نظر مارکسیسم - لنینیسم درباره مذهب ونقش آن در گذشته وآینده جامعه بشری است. اگر کلاسیک های مارکسیسم، آتقدرب سطحی و بی خبر می بودند که ریشه های عمیق اجتماعی ومعرفی مذهب وعملکرد خاص آنرا بشکل مشخص در روند تاریخ نمی فهمیدند، آتموقع در خورد نام «کلاسیک های مارکسیسم - لنینیسم» نمی شدند. ولی خوشبختانه و چنانکه طبیعی است، آنها چنین کسانی نبودند.

آنها بخوبی میدانستند که مذهب، در جامعه ای که در آن بردگی ودرماندگی، نهاز وتنهائی انسان، حتی انسانهای مهجن به زور و زر، در مقابل نیروهای قاهر طبیعت وجامعه، در حکم «جبرانگر» و «تکیه گاه روحی» است، تا تکیه گاه دیگری، بصورت بشریت متحد وهمبسته، که آدمی را از گهواره تا گور در زیر شهب حمایت انسانی وعلمی خود بگیرد، بوجود نیاید، ضرورت وعملکرد اجتماعی خاص خویش را حفظ میکند. مذهب یک شکل ویژه از شعور اجتماعی است که در آن، جهان بینی وعواطف خاص روحی (مذهبی) ونیایش کل در آمیخته است ولذا پیوندهای ویژه ای با مجموعه زندگی انسانی می یابد. بهمین سبب است که مارکس میگوید که مذهب «آه» یک جامعه «بی قلب» و «روح» یک جامعه بی روح است.

بعلاوه روندی که در مذهب شیعه در ایران، از پنجاه سال باز میگذرد، یک روند اصلاح مذهبی (رفورمیسم) است. در مقابل تلاش ناموفق با بیان اولیه و پاکدینان پیرو کسروی، که خواستند در آنسوی اسلام وتشیعگری، مذهبی نو، متناسب با مقتضیات محیط، بسازند و از این جهت دست بدعاوی گونه گون زدند، این رفورمیسم مذهبی، که ما با آن رو برو هستیم، از درون معتقدات اسلامی و شیعی، بدون نقض الحاد آمیز آن، بر جوشیده است و کسانی مانند سید جمال الدین اسدآبادی، نائینی، شریعت سنگلی و مهندس مهدی بازرگان در ادوار مختلف زمینه ساز آن بوده اند.

فخست، اجرای اصلاحات ارضی بنیادی - سپس نوسازی کشاورزی

وزارت کشاورزی ومنابع طبیعی، پس از ماهها بحث وبررسی طرح کلی، بمنظور تجدید تشکیلات آن وزارتخانه تهیه کرده است. در این طرح نه مسائل ومشکلات اساسی کشاورزی بدرستی تحلیل شده ونه اهداف سیاست کشاورزی با دقت ومناسب با وضع کنونی تعیین شده است. یکی از نکته های مهم در طرح، تکیه بر «ده» است که در طرح در این مورد چنین آمده است:

«ده بعنوان واحدی اجتماعی، فرهنگی وتولیدی برسمیت شناخته میشود وبطور کلی عرف ذرائع مورد قبول وزارت کشاورزی است. کوشش میشود با توجه به مشخصات تولیدی ورسوم وسنن دهات وبانظر مشارکت فعال خود اهالی، دهات احیا گردند... وزارت کشاورزی با همه امکانات خود به این گونه بهره برداریها مساعدت خواهد کرد.

یک مسئله اساسی در نوسازی کشاورزی به گونه ای شگفت انگیز به سادگی بر گزار شده است. اگر وزارت کشاورزی، چنانکه در مقدمه طرح آمده است، می پذیرد که «وارث ویرانی وآشفگی بزرگی است که نیاز بیشتر در بر شماری آن نیست»، چرانی پذیرد که این ویرانی وآشفگی قبل از همه در «ده» شکل گرفته وبر اثر «اصلاحات ارضی» به گونه ای ناهنجار ریشه دو انده و پایدار مانده است؟

نگاهی به تاریخچه باصطلاح اصلاحات ارضی شاه مخلوع و نتایج حاصل از آن بروشنی نشان میدهد که، ساخت ده وبافتاروستائی آن بشکلی است که از یک طرف مناسبات سرمایه داری در آن رشد یافته و اکثریت دهقانان را به زنجیر استثمار نوع جدید بسته است، و از طرف دیگر بقایای مناسبات کهن ارباب رعیتی، در موارد بسیار همچنان پایدار مانده است. از آنجا که اصلاحات ارضی در شرایط غیر دمکراتیک و در جهت تأمین منافع سرمایه داری وابسته به امپریالیسم وبدون مداخله ونظارت دهقانان ونیز بدون رعایت حقوق ومنافع آنان صورت گرفته است، زمینهای وسیعی، در سراسر مناطق روستایی ایران، همچنان در مالکیت زمینداران بزرگ باقی مانده است. مالکان بزرگ، با استفاده از موقعیت ممتاز خود، با توسل به مفرهای متعدد «قانونی»، با تشبث به رشوه وتا زیانه، با فریب روستائیان و

بندوبست با سازمان های دولتی ومأموران محلی، توانستند قسمتهای وسیعی از بهترین، حاصلخیزترین ومرغوبترین زمینهای فصبی را، باشکال گوناگون، در تصرف خود نگاهدارند و چه بسا، درباره ای از روستاها، همان مناسبات کهن ارباب - رعیتی را بسود خود بوزیان دهقانان تهیدست حفظ کنند.

این زمینداران وسرمایه داران پس از اجرای «قانون» نیز توانستند، با استفاده از موقعیت اضطراری دهقانان تهیدست وباتوسل به همان شیوه های معهود، بروست املاک وزمینهای خود بیفزایند، با بکار انداختن یک یا چند تراکتور و با اجیر کردن دهقانان بی زمین، دامنه املاک و اراضی خود را تا جنگلها و تپهزارها ومراتع و چشمه سارها گسترش دادند، با استثمار بی رحمانه دهقانان وبا استفاده از انواع اعتبارها و کمکهای دستگاههای دولتی، وسیع ترین ومرغوبترین اراضی همان دهقانان را به مزاد بزرگ وباغها ومیوهزارها بدل کردند وهمه آنها را بنام «املاک مکانیزه» در تصرف خود نگاه داشتند. ومتقابلا بسیاری از دهقانان «صاحب نسق» که باصطلاح مالک قطعه زمینی شده بودند، از کوچک ترین کمک دولتی محروم ماندند، زیر بار انواع وامهای قدیم وجدید واقساط زمین درمانده شدند، تا جایی که از خیر زمین گشتند، به مزدوری زمیندار بزرگ درآمدند، یا در زمین «ملکی» خود به همان روابط ارباب - رعیتی سابق بازگشتند و یا ناچار مهاجرت کردند وبه خیل آوارگان پیوستند وزمین را به «زمیندار» واگذار کردند!

همه این وقایع در محدوده «ده» صورت گرفته وتکامل یافت. تضاد بین زمینداران سرمایه دار، که با تصاحب سهام کارخانه ها وموسسات صنعتی ومالی شهری بر نفوذ واعتبارشان نیز بمراتب افزوده شد، و دهقانان تهیدست رانده شده از زمین، که در روستاها ماندند، در تمام این پانزده شانزده سال، هر روز حادتر وشدیدتر شده است. واگر در آن زمان صدای اعتراض دهقانان، بادت جانی تکار ساواک، در گلویشان خفه میشد، امروز دیگری، هر چند از پشت پنجره های کاخ سر به فلک کشیده «کشاورزی» بسه «ده» نگاه کند، نمیتواند این حقایق دردناک «ده» را نبیند و صدای محرومان و

مراسم بزرگداشت ۲۳ تیر در آبادان

روز ۵۸/۴/۲۵، در آملی تئاتر دانشکده نفت آبادان، بمناسبت بزرگداشت خاطره شهدای ۲۳ تیر ۱۳۲۵، چند هزار نفر کارگر ودانشجو، جوان و پیر جمع شده بودند.

پس از نواختن سرود حزب توده ایران وقرائت پیامی از جانب دانشجویان دمکرات دانشکده نفت آبادان، سخنرانی یک رفیق کارگر شروع شد. وی بعد از خواندن قطعه شعری از اشعار لاهوتی (در مورد کارگر) مختصری در مورد وقایع ۲۳ تیر صحبت کرد وسپس به حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، درود فرستاد، که با استقبال بی نظیر شرکت کنندگان روبرو شد.

آنکاه پیام دانشجویان دمکرات دانشکاه جندی شاپور وسپس پیام دانشجویان دمکرات بهبهان خوانده شد. سپس کارگر مسنی پیامی را از جانب یکی از رفقای کارگر خواند که در آن به دوستان و مبارزان جوان توصیه میشد، فریب تهمت ها و افتراهای منرضان و تفرقه افکنان را نخورند وبه صف حزب توده ایران بپیوندند، ونیز در آن پیام ضرورت اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک در جبهه متحد خلق تأکید شده بود. پیام آن رفیق کارگر نیز با درود به حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، پایان یافت.

با چند پیام از سایر شهرها و نواختن سرود حزب توده ایران بر نامه پایان پذیرفت. دیوارهای اطراف سالن بسا شمارهای «جاودان باد خاطره پرافتخار شهیدان ۲۳ تیر ۱۳۲۵» ونام چند نفر از شهدا وشعار زندان باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک در جبهه متحد خلق» مزین شده بود. ناگفته نماند که در پیرون از محوطه سالن، در چمن دانشکده، عدای ماثوبیست جمع شده وطبق معمول به «انجام وظیفه» در اتهام ذنی به حزب توده ایران مشغول بودند.

ستمدیدگان عاصی از ظلم وجنایت اربابان قدیم وجدید را در چهار دیواری «ده» نشنود!

حالا چگونه است که همین «ده» بعنوان «واحدی اجتماعی، فرهنگی وتولیدی» به «رسمیت» شناخته میشود ووزارت کشاورزی «با همه امکانات خود باین گونه بهره برداریها مساعدت خواهد کرد»، آیا دلیلش را نباید در ماهیت طرح، در عدم توجه تدوین کنندگان آن به علت اصلی خرابیها و ویرانیها، در تلاش برای حفظ مالکیت های زیانبار زمینهای زراعی بسود سرمایه داران وزمینداران در تقویت سرمایه داری و حتی بقایای مناسبات ارباب - رعیتی به زیان دهقانان وبالآخره در سازشکاری و بی اعتنائی و بی تفاوتی مسئولان دولتی در بر خورد بسا انقلاب ایران، در همه زمینها، جستجو کرد؟

مسئله اساسی نوسازی کشاورزی ایران نمی تواند از مسئله اساسی تر مالکیت های ارضی، و بطور کلی از مسئله بنیادی نظام اقتصادی کشور، تفکیک شود وبصورت انتزاعی مطرح گردد. ما با نظر وزارت کشاورزی در مورد روستاهای ایران کاملاً موافقم که «کوشش شود با توجه به مشخصات تولیدی ده... با نظرو مشارکت فعال خود اهالی، دهات احیا گردند»، ولی در شرایطی که هنوز مسئله مالکیت ارضی کشاورزی بسود خانواده های روستایی و در جهت نوسازی کشاورزی از ریشه اصلاح نشده باشد، اجرای چنین برنامه هایی نمیتواند پاسخگویی انقلاب ایران و در جهت تأمین خواسته های دهقانان ایران باشد. درباره سایر مطالب طرح، هدفها وبرنامه های کشاورزی دولت بازم سخن خواهیم داشت.

از کمکهای رفقا ودوستان سپاسگزاریم
شبنم ۱۰۰۰۰ ریال
خرید پنج نسخه «مردم» توسط یک دوست از روزنامه فروش زیر پل ستارخان ۱۰۰۰۰ ریال
کمک دو کارگر تراشکار خیابان قزوین توسط روزنامه فروش محل ۳۰۰۰ ریال
کمک یک دوست به کودکی که در خیابان نواب و آزادی «مردم» می فروخته ۵۰۰۰ ریال
دادرس - کارگاه دز از کرمانشاه ۳۰۰۰ ریال

شیوه زندگی یک انقلابی چگونه است؟

● یک انقلابی «ابرمرد» نیست، انسانی است عادی، ولی با عزم خدمت به مردم تا حد ایثار هستی خویش

در ایران، چپ‌گراها مسئله شیوه زندگی یک انقلابی را از زمان رژیم گذشته مطرح کرده‌اند. خصیصه این شیوه قبول نوعی ریاضت‌گشی و فقرنمائی است، بمثابه واکنش در قبال عشرت پرستی و تجمل‌دوستی طبقات حاکمه. کارگاه بجاهای باریک مه‌رسد، انقلابی نباید ازدواج کند. انقلابی نباید لباس خوب و تمیز بپوشد. انقلابی نباید بخندد و مهربان و مؤدب باشد. واگر انقلابی زن باشد، باید خود را مانند راهبه‌های از دنیا بر گشته راه ببرد.

روشن است که در کشور ما، بطور عمده خانواده‌های محروم زندگی میکنند. یک انقلابی که میخواهد با مردم باشد و با آنها بجوشد، سوئمنند است که از جهت شیوه معیشت نیز طوری رفتار کند که زنده نباشد. سادگی، بسی‌پیرایگی، رفتار صادقانه و عاری از سالوس، احتراز از اکید از عشرت‌پرستی و تجمل‌دوستی، مسلماً از صفات لازم معیشت روزمره یک انقلابی است.

ولی آراستگی باین صفات، نه بقصد سالوس و عوام‌فریبی، بلکه بشکل داوطلبانه و صمیمی و بساطت مردم‌دوستی، نفی نمیکند که یک انقلابی مانند همه مردم زندگی را دوست بدارد، زیبایی و عشق و مهر و محبت و پاکیزگی را دوست بدارد، در حد امکانات خود، امکاناتی که خالی از آرایشهای اخلاقی باشد، زندگی کند و اگر قادر باشد، خوب زندگی کند.

ما تعبیر برابری طلبانه دهقانی از سوسیالیسم و تعبیر مرتاضانه از شیوه زندگی انقلابی را از بیخ و بن رد میکنیم. این انحراف، که در مائوئیسم و نسخه بدل کامیوجی آن (شیوه اداره پل‌یت) تجلی کرد، سوسیالیسم را مبتذل و مضحک میکند و آنرا از تئوری جوامع مدرن صنعتی، به تئوری قشرهای عقب مانده خرده بورژوازی و حتی لومپنی مبدل میسازد.

آنهایی که میخواهند کمونیسم را بیک «کلیسای» جدید، با مثنی خرافات و آداب و رسوم بدل کنند، دانسته یا ندانسته به اعتبار این تئوری علمی و انسانی زبان جدی مینهند.

مارکس و انگلس و لنین هرگز بچنین شیوه‌هایی دست نمی‌زدند و با آنکه نبوغ و قهرمانی آنها «انظهرمن-الشمس» است، هرگز خود را «ابرمرد» عائی از نوع «راخما تف» (دررمان «چه باید کرد» چرنشفسکی) حساب نمیکردند. انسانهای عادی، فروتن، ساده و دوست‌داشتنی بودند که مانند همه انسانها خشمگین میشدند، اشتیاء میکردند، عشق میورزیدند، از ته دل میخندیدند، شدیداً متائی میشدند.

مارکس میگوید، زیباترین مثالی را که دوست میدارم اینست: «انسانم و هیچ چیز انسانی از من بیگانه نیست.» بنا به مثل ایرانی، «تعارف کم‌کن و بر مبلغ افزای».

اساس، داشتن خصلت و آگاهی انقلابی و انطباق کردار و گفتار است. مسئله جامعه و نشست و برخاست را بحال خود بگذاریم. بگفته سمدی، «حاجت» بکلاه چپری داشتنت نیست درویش صفت باش و کلاه تتری دارا»

انقلابی بودن را به مثنی ژست و ادا و اطوار بدل کردن، تذلیل و خواری سازی مفرط مفهوم این واژه بزرگ است. «ژست» انقلابی گرفتن آسان، ولی صفت انقلابی داشتن دشوار است. آسان را بگذاریم و دشوار را برداریم. دشوار است گذشتن از جان و سود، دشوار است تحمل نارواییهای گوناگون نبرد انقلابی، دشوار است قضاوت خالی از ذهن‌گرانی، دشوار است دوام آوردن در خطه نبرد، دشوار است فداکاری همه‌جانبه بخاطر رفیق، دشوار است مغرور نشدن، دشوار است خود را نباختن و بهنگام ابداسر نوشت، خون‌سرد و مقاوم ماندن و بهنگام یویه ظفر نمون برفروتنی و مردم‌دوستی خود افزودن، دشوار است تحمل شکنجه، دشوار است گذشت از زندگی... ولی ایسن دشوارها را باید فرا گرفت!

حالا برخی‌ها کاردشوار را میگذارند، دنبال «ژست» میروند و چیزی هم طلبکار میشوند!

آزادی نیکاراگوئه ضربه سنگین جدید به امپریالیسم امریکا



■ امپریالیسم و بازی با آتش

هارولد براون، وزیر دفاع امریکا، باردیگر بصراحت گفته است که این کشور آمادگی دارد برای دفاع از منافع حیاتی خود در هر منطقه‌ای، از جمله در خلیج فارس، از قسوه قهریه استفاده کند. به گزارش رویتر، براون ضمن تاکید این مطلب اضافه کرده است که تقویت نیروهای نظامی امریکا در خلیج فارس دارای اهمیت ویژه است.

در ارتباط با تلاشهای خطرناک در خلیج فارس، روزنامه‌های هند فاش کرده‌اند که امریکا میخواهد پایگاه دیکوگارسها، در اقیانوس هند، را با سلاح هسته‌ای مجهز کند. این اقدام امریکا بمعنی بی‌اعتنائی کامل و گستاخانه به افکار عمومی جهان است. سازمان ملل در سال ۱۹۷۱ اقیانوس هند را منطقه‌ای عاری از سلاحهای هسته‌ای اعلام کرده است. در این زمینه همکاری رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی با امریکا جالب توجه است. امریکا در صدد است از پایگاه «سیمونس-تاون» در آفریقای جنوبی، برای مقاصد تجاوزکارانه خود استفاده کند.

در این میان واکنش‌های قیاس در برابر تلاش امریکا برای استقرار پایگاههای نظامی در جزیره نیز قابل توجه است. به گزارش یونایتد پرس، یک سخنگوی ترکهای قبرس به یونانیان جزیره اخطار کرد که اگر به امریکا اجازه تأسیس پایگاه دهند، با عواقب بسیار شومی روبرو میشوند. بسیاری از محافل یونانیان قبرس نیز اعلام کرده‌اند که به امریکا اجازه داده نمیشود که از قبرس بعنوان پایگاهی برای مقاصد خود استفاده کند.

به گزارش رویتر، وزیر کشور حکومت انقلابی نیکاراگوئه، به سرسپردگان سوموزا، دیکتاتور مخلوع اخطار کرده است که در صورتی که به اقدامات ضد انقلابی پایان ندهند، تیرباران خواهند شد. حکومت بازسازی ملی، که اکنون شناسائی بسیاری از کشورهای جهان را بدست آورده است، طی فرمانی تمام نیروهای ملی و دموکراتیک را برای بازسازی کشور بسیج کرده است. دولت نیکاراگوئه برنامه ملی کردن بانکها و موسسات وابسته به امپریالیسم و بطور کلی قطع کامل نفوذ امپریالیسم را در درجه اول قرار داده است.

دولت نیکاراگوئه اعلام کرده است که در کنفرانس کشورهای غیرمتعهد در هاوانا شرکت و در سیاست خارجی، از سیاست عدم تعهد فعال پیروی خواهد کرد و روابط با کشورهای سوسیالیستی را گسترش خواهد داد. دولت نیکاراگوئه از امریکاجواسته است که سوموزا را به این کشور بازگرداند.

خبرگزاری تساس اعلام کرد پاسخی که امریکا به تقاضای دولت انقلابی نیکاراگوئه میدهد، نشان خواهد داد که آیا امریکا آمادگی قطع حمایت از دیکتاتوری‌های امریکایی لاتین است یا نه؟

■ تجاوز اسرائیل با پشتیبانی امریکا ادامه دارد

به گزارش خبرگزاری‌ها، وزارت جنگ امریکا (پنتاگون) تصمیم گرفته است که یک میلیارد و سیصد میلیون دلار سازو برگ مدرن در اختیار مصر و اسرائیل قرار دهد. به‌اعتراف مقام‌های امریکائی فروش این سلاحها به مصر و اسرائیل با توافق‌های کمپ دیوید و همکاری نزدیک مصر و اسرائیل بعنوان ژاندارم امریکا در منطقه ارتباط دارد. در ارتباط با همین نقش است که به گزارش رویتر «شیمون پرز»، رهبر حزب کارگران اسرائیل، در مصر مذاکراتی با «سادات» انجام داده است.

از سوی دیگر تحریرات اسرائیل در جنوب لبنان همچنان ادامه دارد و هوایماهای اسرائیلی چند بار اردوگاههای فلسطینی‌ها را بمباران کرده‌اند. بنا به گفته منابع فلسطینی، در سؤقتد بجان زهریمحسن، رهبر سازمان الصاعقه، نیز عوامل اسرائیلی شرکت داشته‌اند.

■ سود بادآورده انحصارهای نفتی

شرکت نفت «اکسون» اعلام کرده است که در شش ماه اول سال جاری یک میلیارد و هفتصد میلیون دلار سود خالص داشته است. این شرکت اعتراف کرده است که این رقم نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایشی حدود سی درصد نشان میدهد. سایر شرکتهای نفتی بزرگ امریکا نیز کم‌وبیش سودهای بسیار زیادی به‌جیب زده‌اند. بدین ترتیب ماهیت واقعی غوغای غرب درباره افزایش بهای نفت بهتر آشکار میشود.

■ تحریرات تازه پکن در مرز ویتنام

چین همچنان به حادثه آفرینی در مرز ویتنام ادامه می‌دهد. دولت ویتنام اعلام کرده که در حملات تازه چین به ویتنام، عده زیادی غیر نظامی مجروح شده‌اند. چین همچنین لشکرهای تازه‌ای در مرز مستقر کرده است و رهبران پکن ظاهراً می‌خواهند بادست آویزهای بی‌اساس باردیگر به‌خاک ویتنام یورش ببرند. نیروهای چینی اوایل سال جاری مسیحی به‌خاک ویتنام سرازیر شدند، اما با مقاومت دلیرانه مردم ویتنام روبرو گردیدند و ناچار، در حالیکه تلفات سنگینی متحمل شده بودند، از خاک ویتنام عقب‌نشینی کردند.

تیم فوتبال اتحاد شوروی اولین مهمان خارجی ایران پس از انقلاب

هفته پیش تیم فوتبال زیر ۲۳ سال اتحاد شوروی به ایران آمد.

این تیم، در دو مسابقه دوستانه تا تیم‌های ایرانی شرکت کرد و ایران را ترک گفت. بعد از پیروزی انقلاب ایران، تیم زیر ۲۳ ساله فوتبال است شوروی، اولین تیم خارجی بود که بعنوان مهمان به ایران آمد حضور این تیم در ایران، آنهم بعنوان اولین تیم مهمان در ایران رها شده از استبداد سلطنتی، نشانه روابط دوستانه بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی است. دو همسایه باین ترتیب نشان دادند که راه برای همکاری‌های ورزشی بین دو کشور گشوده است. بر این زمینه دوستی، ادامه همکاری‌های ورزشی و همچنین گسترش روابط فرهنگ می‌تواند هم‌دستی را بین دو همسایه، که در مرزهای طولانی در جوار هم زندگی میکنند، استحکام بیشتر بخشد و هم این فرصت را فراهم بیاورد که تجربیات ورزشی و فرهنگی دو کشور مبادله شود و هر دو طرف را به‌روز سازد.

شکست مفتضحانه غرب

و چین در ژنو

خبرگزاری فرانسه در گزارشی اعلام کرده که جمهوری سوسیالیستی ویتنام کنفرانس ژنو را، که برای رسیدگی به اوضاع هند و چین و وضع «آوارگان» تشکیل شده بود، شکستی برای چین و دیگر دشمنان ویتنام نامیده است.

ارگان حزب کمونیست ویتنام نوشت که اقلیت کوچکی از شرکت‌کنندگان، مانند چین، انگلستان و امریکا تلاش کردند که ویتنام را بی‌اعتبار و بدنام کنند، اما برعکس خود بدنام و رسوا شدند.

از سوی دیگر روزنامه «پراودا» نوشت که نتایج کنفرانس ژنو شکست از تجاع و محاسبات خودخواهانه یکن بوده است. پراودا نوشت که نیروهای ارتجاعی میخواهند افکار عمومی جهان، جنایات عده‌ای را که امپریالیسم در هند و چین مرتکب شده بود، فراموش کند. همچنین یکن مسایل بود که ما جسر اجسویی مسلحانه رهبران چون علییه ویتنام و قتل عمام مردم کامپوچیا بوسیله رژیم دست‌نشانده پول پوت‌دینک‌ساری-فراموش شود و ویتنام بی‌اعتبار گردد. پراودا اضافه کرده که اساساً استراتژیست‌های امپریالیسم و یکن و دستگاه تبلیغاتی آنها با شکستی بزرگ در ژنو روبرو شدند.

■ رهبران مترقی مذهبی از حکومت دمکراتیک افغانستان حمایت میکنند

به گزارش تاس، مردم افغانستان در دفاع از دستاوردهای انقلاب خود روز بروز مصمم‌تر میشوند. مردم از تمامه‌های رهبری کشور برای بهبود زندگی زحمتکشان قویاً حمایت میکنند. چند روز پیش رهبران مذهبی دو ایالت کشور، ضمن دیدار با نورد محمدتره‌کی، از اقدام‌های دولت حمایت کردند. رهبران مترقی مذهبی با بیان یافتن بهره‌کشی انسان از انسان و بخشودگی بدهی‌های سنگین دهقانان و برنامه اصلاحات ارضی را مورد حمایت قرار دادند.

■ بحران نژادی وین بست سرمایه‌داری

به گزارش خبرگزاری فرانسه، مناطق جنوبی ایالات متحده با تشنج‌های نژادی فزاینده روبرو است. در ایالت‌های آلاباما و میسی‌سی‌پی و چند منطقه دیگر، برخورد میان سیاهان و سفیدپوستان افزایش یافته است. رهبران ارتجاعی سفید میگویند که سیاهان در سالهای اخیر قدرت زیادی بدست آورده‌اند. خبرگزاری فرانسه در یک قسمت از گزارش خود به مطلب افشاکننده‌ای اشاره میکند و آن اینست که افزایش تشنج نژادی در امریکا معلول همکاری تورم و بطور کلی زائید بحران شدید در نظام سرمایه‌داری امریکا است.

در مجلس خبرگان

نامزدهای حزب توده ایران چه کسانی هستند و از چه بر نامه‌های دفاع میکنند؟

تکامل جامعه ایران هموار سازند. برای رسیدن به این هدف، تکمیل پیش‌نویس قانون اساسی با اصلاحات زیرین ضروری است.

- **تصریح نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران**
این نظام، بطوریکه در پیشنهاد اصلاحی حزب توده ایران آمده است، از لحاظ اقتصادی باذوق تر از نظر چگونگی و شکل مالکیت، بر سه ستون یا سه پایه باید استوار باشد:
۱- مالکیت دولتی یا مالکیت عموم خلق، که بر پایه آن بخش دولتی بوجود می‌آید.
۲- مالکیت تعاونی یا مالکیت گروهی، که بر پایه آن بخش تعاونی ایجاد میگردد.
۳- مالکیت خصوصی یا مالکیت فردی، که بر پایه آن بخش خصوصی تشکیل میشود.

- **تصریح اصول سیاست خارجی**
این اصول برای مبارزه دائمی با امپریالیسم و حفظ استقلال کشور باین صورت پیشنهاد میشود: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر پایه عدم تمهید، عدم شرکت در بلوک بندیهای نظامی، بر اساس حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، عدم تجاوز به خاک کشورهای دیگر، حسن همجواری با همسایگان، همزیستی مسالمت آمیز و تحکیم و تقویت همکاریهای بین‌المللی و گسترش مناسبات دوستانه میان دولتها بر مبنای برابری کامل و منافع متقابل و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر قرار میگیرد. همبستگی و پشتیبانی از حقوق ملت‌ها و خلق‌هایی که علیه استعمار، نواستعمار، امپریالیسم، صهیونیسم و فاشیسم و تبعیض نژادی برخاسته‌اند، در زمره اصول مسلم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به شمار میرود.»

- **تأمین حاکمیت خلق از طریق مجلس شورایی ملی و شوراهای محلی و حقوق اداری و فرهنگی ملی در واحدهای ملی.**

با تشکیل شوراهای محلی منتخب مردم و شناسایی حقوق اداری و فرهنگی واحدهای ملی، میتوان هم توطئه‌های امپریالیسم و سرسپردگان داخلی آن را عقیم گذارد و هم اتحاد آگاهانه و ادولت‌پلانیته خلق‌ها را پی‌ریزی کرد و بدینسان نیروی خلاقه عظیم مردم سراسر کشور را در راه جهاد برای سازندگی در جامعه نوین بکار گرفت.

- **تصریح برابری کامل زن و مرد در قانون اساسی**
زنان باید در حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور امکان مشارکت فعال یابند، تمام قوانین بازدارنده ملتی اعلام شوند، شرایط لازم برای دست یافتن زنان به تمام درجات اداری و شغلی فراهم شود، در حیات اقتصادی اثری از تبعیض نسبت به زنان باقی نماند، اقدامات ضرور در زمینه هماهنگ ساختن وظایف خانگی و اجتماعی زن بعمل آید، بتواند همسر از حقوق برابر با مرد برخوردار باشد و در یک کلام، کلیه تبعیض‌ها از میان برداشته شوند، تمام مرزهای ممنوعه شسته گردند و زمینه لازم برای شکوفایی قریحه زن ایرانی فراهم شود.

- **تأمین حق کار و حق تشکیل اتحادیه‌های صنفی و حرفه‌ای برای کلیه کارگران و زحمتکشان شهر و ده**
هریک از افراد کشور حق کار کردن دارند و این حق نباید بوسیله دولت تأمین گردد. تشکیل اتحادیه‌های صنفی و حرفه‌ای چه در سطح کارآگاهی و چه در مقیاس سراسری کشور، حق مسلم کلیه کارگران و زحمتکشان شهر و ده است. چگونگی شرکت واقعی اتحادیه‌ها در کلیه اموری، که مربوط به فعالیت تولیدی و شرائط کار و زندگی زحمتکشان است، بوسیله قانون و پیوسته‌ای تأمین شود.

- **تأمین حق آموزش برای همه افراد کشور**
همه افراد کشور حق آموختن دارند، آموزش مجانی است و در حدودی که قانون معین میکند، اجباری است. جمهوری اسلامی ایران حق آموزش برابر را برای همگان تأمین میکند و امکان دسترسی همه را به آموزش و پرورش، آموزش حرفه‌ای و فرهنگی سازمان میدهد.

- **تأمین مسکن مناسب برای همه افراد کشور**
داشتن یک مسکن مناسب برای زندگی، حق طبیعی افراد کشور است. دولت وظیفه دارد که برای تحقق این امر تدابیر مقتضی اتخاذ نماید، و بر اساس اولویت زحمتکشان روستایی و شهری، تدریجاً طبق نقشه سنجیده‌ای، برخورداری همه افراد را از این حق فراهم سازد.

- **پایان دادن به شکنجه جسمی و روانی انسانها**
هر گونه شکنجه و تنبیه بدنی و روانی نسبت به اشخاص، چه بدستور مقامات دولتی و قضائی باشد و چه خودسرانه از جانب مأموران دولتی اعمال گردد، شدیداً مستحق تعقیب و مجازات است. با چنین برنامه و چنین ناهم‌زمانی‌هایی است که حزب توده ایران در انتخابات مجلس خبرگان شرکت میکند.

۱۶ توده‌ای، ۱۶ کارگر و روشنفکر، کسه از خلق برخاسته‌اند و با خلق زیسته‌اند، ۱۶ آزاده، که از زندان و شکنجه و تبعید گذشته‌اند و به آرمان خود، به آرمان حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، که تلاش در راه پیروزی توده‌هاست، پای فشرده‌اند، نامزد شرکت در مجلس خبرگان شده‌اند.

اینان که در زندان کی خود، با پایمردی و دلآوری نشان داده‌اند که استوارترین پیوندگان راه رنجبرانند، اینان که سرفراز شکنجه‌گام‌های شاه مخلوع را فتح کرده‌اند و در سیاه‌ترین ادوار تاریخی ایران، پرچم نبرد برای رهایی طبقه کارگر را برافراشته‌اند و سرود فتح و امید خوانده‌اند، اکنون که خلق قهرمان ما به پای صندوق‌ها می‌روند، تا نمایندگان خود را به مجلس خبرگان بفرستند، در کارزار انتخاباتی شرکت کرده‌اند، یشتوانه رفقای ما، که نامزد شرکت در انتخابات مجلس بررسی نهائی پیش‌نویس قانون اساسی هستند، زندگی سراسر نبرد و افتخار آنهاست.

افسران توده‌ای، مبارزانی که هر یک ۲۵ سال در زندانهای شاه مخلوع زیسته‌اند، جزء نامزدهای حزب ما هستند. تاریخ مبارزه سیاسی در ایران، از کودتای ۲۸ مرداد باین سوی، با نامه‌های محمد علی عمونئی، رضاشلتوکی، عباس حجری بجستانی، ابوتراب باقرزاده، تقی کی‌مش و اسماعیل ذوالقدر پیوند ناگسستی دارد. این افسران ۲۵ سال تمام در زندانهای وحشتناک شاه مخلوع با دژخیمان رژیم‌نشد و بر آرمان خود پای فشرده‌اند، از این افسران که هر یک به تنهایی مظهر مقاومت خلق در برابر سران دادن خون‌آشام آریامهری بودند، ۴ تن: عمونئی، شلتوکی، حجری، باقرزاده برای شرکت در مجلس خبرگان نامزد شده‌اند. همراه اینان رفیق علی‌خاوری خراسانی، این فرزند برومند خلق، که در سیاه‌ترین ادوار تاریخ ایران، در ستیز خویش دژخیمان شاه خائن را بزانو در آورد، آماده است تا به مجلسی برود که در آنجا نمایندگان خلق می‌خواهند قانون اساسی خود را بنویسند.

چهره درخشان دیگری، در کنار این دلوران، نامزد شرکت در مجلس خبرگان شده است. او رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران است. اکنون که رفیق کیانوری آماده شرکت در کارزار انتخاباتی است، ۴۴ سال فعالیت سیاسی آکنده از زندان و مهاجرت را پشت سر گذاشته است. او، تجربیات مبارزه طبقه کارگر ایران را، از آن روز که گروه ادانی تشکیل شد، تا به امروز همراه دارد.

نامزد دیگر حزب توده ایران، رفیق احسان طبری است. چهره‌ای یگانه، که در متن مبارزه ۴۴ ساله خود علیه رضاخان و پسرش، در جریان نبرد بی‌امان با امپریالیسم خونخوار، عرصه‌های وسیعی از دانش و هنر بشری را فتح کرده است. رفیق طبری از سوی از سرسخت‌ترین مبارزان راه آزادی و استقلال ایران است و از سوی دیگر دانشمندی است که در زمینه‌های جامعه‌شناسی، فلسفه، تاریخ، تفکرات ادبی، هنری، تحقیقات سیاسی و... از برجسته‌ترین چهره‌های معاصر ایران است. بعلاوه رفیق طبری از درخشانترین ادباء، شعرا و پژوهشگران و از با سابقه‌ترین روزنامه‌نگاران ایران به شمار می‌رود.

رفیق حسین جوادی، دیگر نامزد حزب توده ایران برای مجلس خبرگان است. نام این رفیق مبارز زندان کشیده و تسلیم ناپذیر با فعالیت نزدیک به ۴۰ ساله سیاسی، سندیکائی و دانشکاهسی پیوند دارد.

رفیق انوشیروان ابراهیمی، رزمنده‌ای که عمر خویش را وقف مبارزه کرده است. رفقای کارگر آصف رزم‌پدیده و صابر محمدزاده، دور رفیقی که پرورده مکتب طبقه کارگر و حزب این طبقه، حزب توده ایران هستند و صداقت و ایمان خود را برای به ثمر رسیدن آرمانهای طبقه خود در سالهای دراز شکنجه و زندان پسه اثبات رسانده‌اند.

رفیق مریم فیروز فرمانرومایان زنی که از سال ۱۳۲۰ در نهضت آزادیخواهی ایران شرکت فعال و پرثمر داشته و بویژه در راه شکل زنان رزمیده است.

رفیق علی لامعی، کارگری که در مکتب مبارزات سخت و دراز مدت پرورش یافته، رفیق غلامرضا روحانی شهرکی، کارگری که تمام زندگی آگاهانه خود را وقف آزادی زحمتکشان کرده، رفیق حسین آذر، پزشکی که عمر خویش را صرف مبارزه در راه آرمان کارگران نموده و رفیق کارگر علی اکبر مایل زاده از سرزمین نفت و کار، چهره‌های درخشان دیگری هستند که از جانب حزب ما، نامزد شرکت در مجلس خبرگان شده‌اند.

اینان که به خلاصه، تنها قطره‌ای از دریای زندگی پرثمر آنها، نامشان را آورده‌یم، بایشتوانه سالهای دراز قهرمانی، مبارزه و ایمان به زحمتکشان، آماده شرکت در مجلس خبرگان هستند. نامزدهای حزب ما از چه برنامه‌ای دفاع خواهند کرد؟ بر یک کلام، آنها می‌خواهند دستاوردهای انقلاب ایران را توسط قانون اساسی تثبیت کنند و راه را برای پیروزی مراحل بعدی انقلاب ایران هموار سازند. نامزدهای حزب توده ایران برای تصویب آن قانون اساسی خواهند کوشید که بر زمینه دستاوردهای انقلاب، راه را برای رشد و

به رفقای «چریک شهری» که شجاعانه به حزب توده ایران پیوستند، با درود!

نغمه امید

رفقای رهپو
گام‌هاشان موزون
تا که خورشید بشهر آید و
از ممبرگان‌های شهادت
لرزه بر پیکر تب‌کرده شب اندازد
- بستوه آورد این دیو سیاه -

رفقای رهپو
همه «در مسلخ عشق»
چنگ در قله تاریخ زده
نامشان نغمه گویای امید!

رفقای رهپو
سال‌های بسیار
پای پر آبله از رنج عبت
- در بیابان همه مفتون سراب -
... بازگفتند ...
به خورشید سلام آوردند!

رفقای رهپو

«جان سلامت باشید!»
«ره مبارک باشید!»
- تازه رو کرده به شط خورشید،
هم از این چشمه جوشنده و پاک
شهد بهروزی ایران نوشید!

رفقای رهپو،
لاله تافته تن تافته لب
رو بسوی همه همسفران
میگشایند لبان را از لب
درصداشان

عطر باغ «خسرو»،
«رفقای عاشق!»

راه را گم نکنیم!

«گر شهابی دیدیم»
«دامن شب نشکافت»
«نشکافت، اما»
«راه را گم نکنیم!»

«راه را گم نکنیم!»

«راه را گم نکنیم»
«دراغ میبشند سوی صبح روشن»
«دراغ میبینی»
«با مهادان می‌آید»
«از برای من و تو»
«همه‌مان می‌آید»
«چشم‌ها بگشاییم»
«پای در راه لهرم»
«پیشوازش برویم»
«گر شهابی دیدیم»
«دامن شب نشکافت»
«نشکافت، نشکافت»
«راه را گم نکنیم!»

۴ سپهری
۲۳ من ۱۳۵۷

**عناصر ضد انقلاب،
فروشنندگان نشریات
حزبی را دستگیر
کردند**
عناصر ضد انقلابی، که در کمیته طاق بوستان کرمانشاه نفوذ کرده‌اند، ۳ نفر از دختران هوادار حزب توده ایران را، ساعت ۶ بعد از ظهر بیست و نهم تهرماه، در کوچه ثبت قهرمان شهر (کرمانشاه سابق) هنگامیکه سرگرم فروختن «مردم» بودند، دستگیر کردند.

فروشنندگان نشریات حزب ما به این عمل اعتراض کردند و اعلام داشتند که مطابق قانون جمهوری اسلامی، فعالیت علنی حزب توده ایران و همچنین فروش نشریات آن آزاد است.

به دنبال این اعتراض، چند نفر برای بازپرسی آمدند و بعد از خواندن نشریات حزبی، رفقای ما را در ساعت ۹ شب، در جاده خارج شهر، آزاد کردند. با اینحال، افرادی که در دستگیری رفقای ما شرکت داشتند، با یک اتومبیل، پیکان آنها را تعقیب کردند و به آزادشان پرداختند.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق